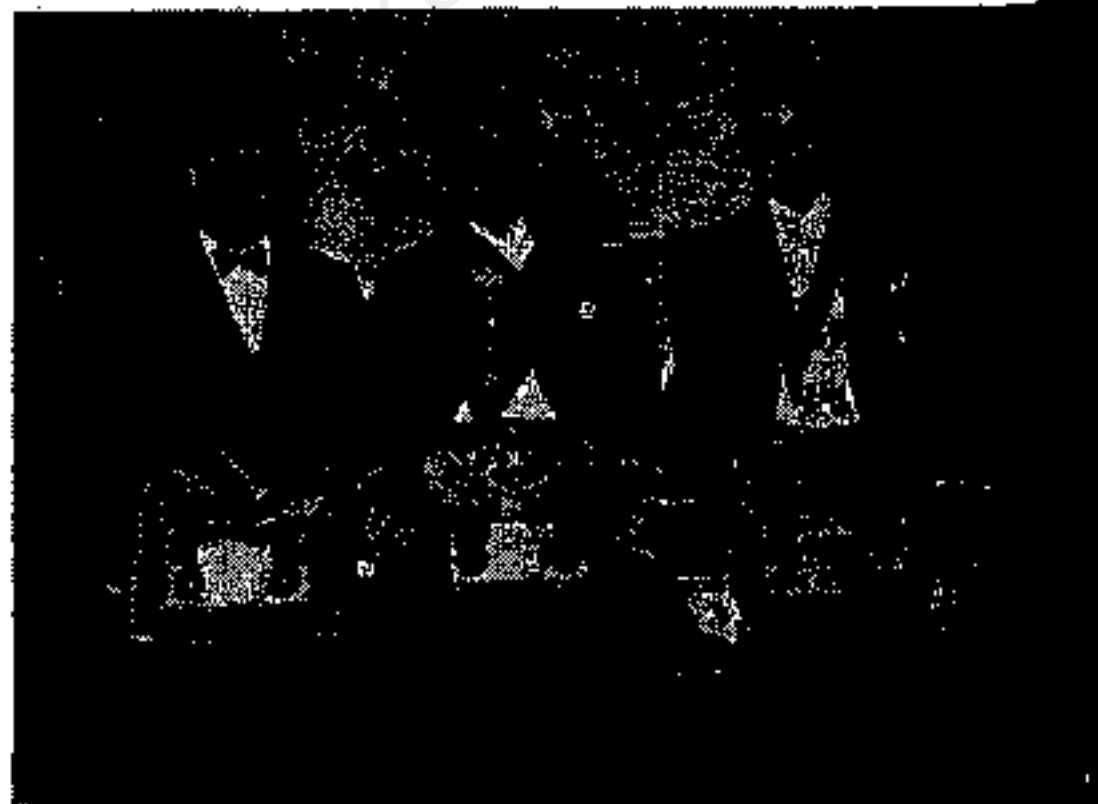




پانزده نفر از رؤساء از روشنائی در ایران در سال ۱۹۶۵ - این تصویر از سالن محفل فراماسونری در کلیسای انجیلی خیابان قوام السلطنه برداشته شده



به برادر فراماسون ، الیاس دین پهودی هرب - دکترخان فرخ استاد دانشگاه -

ضیافت در زیر پرچم فراماسونری



در مهمانی سفید لژ تهران در کلوب تهران ، از راست به چپ : در یادار ظلمی - (بانوی شناخته شده) - دکتر مختاریار - اوجیبف



پك اسكاتلندی و پك كاتا ادانی عضو لژ روشنائی

دو استاد اعظم فراماسونری



مظفر الدین ارفیق السلطنہ خان فریح استاد دانشگاہ - زردز او انسف مدیر شرکت مریخ
 بہادر فراماسونر دو استاد اعظم - مرجوم فریح ، فقطبہ او انسف ارادت می‌ورن بہ



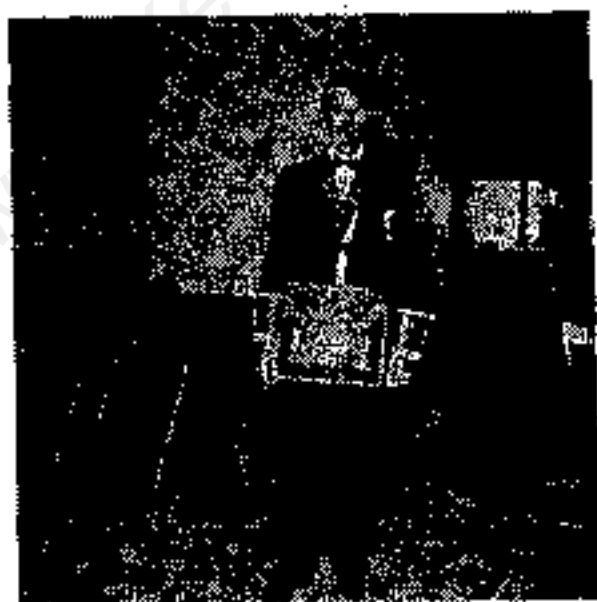
سه استاد لئ اسکاتلند - از راست پچی ، صالح جتایات - دکتر خان فرخ - کریستوفر اسحق فری



زیارت سفید در کلوب تهران - دورین مهنائی همسران قراماسونها در شام برادرانه شرکت دارند



استاد فراماسونری انگلیسی با کوبه‌های مخصوص زیارت لژ در کنار کرسی استادی



آ - دراپر Drapper عضو کنسرسیوم نفت و استاد فراماسونری شهرت دارد که این انگلیسی معادن سازمان ایتالیاجنس سرویس در سازمان اطلاعات کنسرسیوم نفت در ایران بوده که در پنجمال اول تأسیس کنسرسیوم فعالیت می‌کرد.

تجدید فعالیت لژ روشنائی در ایران

پس از خروج ارتش انگلیس از ایران باردیگر از فعالیت فراماسونهای لژهای روشنائی، پیشاهنگ و مسجد سلیمان کاسته شد، تا اینکه در تهران محمد خلیل جواهری لژ همایون را تأسیس کرد. بطوریکه برخی از کارگردانان این لژ قدیمی مدعی هستند وی با کمک میجر جاکسن انگلیسی که در سفارت انگلیس در تهران سمت ظاهری (وابستگی اقتصادی) داشت عده‌ای از افراد مورد نظر سفارت انگلیس را وارد این تشکیلات کرد.

استقبالی که طبقه مخصوصی از دستگاه حاکمه ایران از لژ همایون کردند، سبب شد تا لژ روشنائی در ایران نیز در صدد فعالیت وسیعتر و پذیرفتن عضو ایرانی برآید، بدین منظور بیخستنامه زیر در سال ۱۹۵۶ - م (۱۳۳۵ - ش) از طرف رؤسای کرسی لژ روشنائی و بامضاء دورابجی خطاب به همه فراماسونهای خارجی و ایرانی سر تاسر ایران صادر شد:

لژ روشنائی در ایران
تهران - ایران
بتاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۵۶ -
سرور و برادر گرام

ساختمان پیرنیا - کاشی شماره ۵
خیابان چرچیل

چون دیر زمانی است که اطلاعی از گروه نسبتاً زیادی از اعضای خود در کشورهای خارج و مخصوصاً از اعضای قدیمی لژ خود نداریم احساس می‌کنیم که شاید بعضی از اعضاء نشانی خود را بدون اطلاع ما تغییر داده و این امر باعث قطع مراوده بین ما شده باشد.

ازینرو کمیته تصمیم گرفته است که در فهرست اعضاء تجدید نظر کرده و آنرا اصلاح سازد. برای انجام ابتکار خواهشمند است قسمت پائین این نامه را پر کرده و هرچه زودتر آنرا برای اینجانب بفرستید.

LODGE LIGHT IN IRAN
No 1191 S. C.
Tehran, Iran

PIRUSIA BUILDING
5, AVENUE CHURCHILL
Tehran, Iran

20th June 1956

Dear Sir and Brother,

As we have not heard for a long time from a considerable number of our overseas members, especially from our older members, it is felt that we may have lost touch with them due to a change in their address which has not been notified.

The Committee has therefore decided to review our Membership List and to bring it up to date. In order that this may be done, I shall be most grateful if you will kindly fill in the slip below and return it to me as soon as possible.

If we get no response from you within a reasonable time it will be assumed that we have lost touch with you, and we shall have no alternative but to drop you very reluctantly from our membership list. However we do not want to take this step if it can be avoided, and would therefore ask your co-operation which will be greatly appreciated, in order to give you the least amount of trouble. I enclose an addressed envelope for your reply.

Yours sincerely and fraternally,

F. S. Durbles,
Secretary.

Kindly detach the slip below and return it, duly filled in, to:-
F. S. Durbles, Pirusia Building, 5, Avenue Churchill, Tehran, Iran.

The Secretary,
Lodge Light in Iran, No. 1191 S. C.,
Tehran.

Date _____

Dear Sir and Brother,

Kindly retain my name on your Membership list.

Name in full (in block) _____

Present address: _____

Permanent address: _____

Signature _____

دعوت عام و یخنامه دبیر لژ روشانی برای تجدید فعالیت در سال ۱۹۵۷

اگر در عرض مدت کافی پاسخی از شما نرسد، فرض می‌کنیم که تماس ما قطع شده است و چاره‌ای، هر چند با اکراه باشد، جز حذف نام شما از فهرست بویست نخواهیم داشت.

البته مایل هستیم تا آنجا که مقدور باشد از انجام چنین کاری خود داری بپوشیم و بنابراین همکاری شما در این مورد باعث مزید تشکر خواهد بود. برای آنکه زحمت شما را بعد اقل برسانیم یک پاکت نشانی‌دار برای ارسال پاسخ شما

باسم الله الخالق
 مهندس المعمون الأعظم
الشرق الاكبر المثالي العمالي



من الرئيس الأعظم
 لشيرة البنائين الاحرار العالميين والقوانين في شوق العالم

الرئيس الاعظم
 هذا هو رأيي
 في هذا الموضوع
 بصدق

ذلك نراينا كل الاحترام والتآخي الاحترام والرؤساء المحترمين والايخوة الاكبر

السلام قام . . . والنتيجة والاكرام

أما بعد - فقد عرض علينا طلب اخواننا الاعزاد الاخوانة عماد خدين جواد خديري والاكبر احمد من جواد هوس ونيوسلافو ايرين وجعفر ملا
 وجمال هادي امام وجمال الزبيدي وادريست بيرون
 بشعور به التصريح لهم باختيار عقل من عائل البنائين الاحرار العالميين باسم عقل شواييدش . تابع للحقل الاكبر المثالي العمالي العمالي
 تحت لجان الشوق الاكبر المثالي العمالي . وبما لنا من السلطة المستوربة العمالية التي تختصها اصول البناء العمرة قد بلغنا عليهم ، واجبنا
 بالتبليغ والقبول بتوصية من عقلهم الاكبر ، وبما لنا فيهم من الثقة والاحترام وانما على انشاء عقل كانوا فيهم يسمى عقل بوشوك . رقم ١١
 يتجمع في شرق طهران . اوله وأجزنا هذا الحقل عند اجتماعه فانوا بان ينزل للطلاب ويكاتفهم بأمر البناء العمرة ويرق اعواناً للدرجة الثانية
 والثالثة وذلك طالي الاتحاق الي غير ذلك من الاحمال بحسب الدستور الفاسوق المثالي العمالي ونظامه العام واحكامه تصانها .

اجابة للنس مؤلف الاخوان قد عينا الاخي محمد خديري واهري رئيساً محترماً للحقل والايخوة كقديس هوس منياً اولاً له والايخوة محمد علي اسام
 منياً ثانياً له . وعلى الرئيس المحترم ان يقتض الحقل باسم الله الخالق مهندس الكون الاعظم ، ويقوم بادارة اعماله وبهم يشعرون ان ينسب له خلفه من
 الاخوان المحترمين السابقين . او من شغل وظيفة فيه في حقل مثالي متعلم ، وبثبت بعد الانتخاب بكره الزمانة هل حسب اصول البناء العمرة القديمة
 ليكون له كامل السلطة التي تحول له القيام بوظيفته . ورحمنا له ان يستوفى من يعمل معه من الاخوان البنائين الاحرار وان يسلك بهم سبل الهدى
 والاشعاع . وان يحافظوا جميعاً على العمل بنصوص الدستور والنظام العام وكل ما صدر وما يصدر من قرارات الشرق الاكبر المثالي العمالي ، والحقل
 الاكبر المثالي العمالي الخليفة . بأن يستألفهم لائحة داخلية لادارة الحقل بحيث لا تكون مخالفة لنصوص الدستور الفاسوق المثالي العمالي ونظامه
 العام . هل ان يردوا نسخة من لائحة الداخلية لنا بعد التصديق عليها من الحقل الاكبر المثالي العمالي العمالي كالتاليين له . وان يوقعوا هذه اللائحة وجميع
 اعمال الحقل في سجل منظم وان يرسلوا الامر بين كل عام كشفاً بأعداد الحقل مستوفياً جميع البيانات . وان يحافظوا على تسديد الرسوم المستحقة في
 مواجعتها ويقروا برؤسهم ويوافقوا بصدقهم . ان العهد كان مستولاً .

وهذه البركة تميز لهم العمل بما ما داموا محافظين على هذه الرعايا ومقيمين في السجل العام .

صدرت هذه البركة من البناء العمرة الثانية العمالية بأمرنا ونظم عليها نظام الشرق الاكبر المثالي العمالي بمدينة طهران في يوم السبت ٢٤ من شهر ربيع الثاني ١٣٦٦
 لمؤلفها : محمد خديري . . . ٥٤ من التاريخ العام



به پست فرستاده شد . دوستدار و مخلص برادر شما .

ف . س . دورا بچی

چند هفته پس از ارسال بخشنامه مزبور، عده‌ای از انگلیسی‌هائی که عضویت لژ را داشتند ولی برای همیشه ایران را ترك گفته بودند، به سایر لژهای تابع اسکاتلند در دنیا پیوستند . و عده‌ای نیز کماکان به عضویت در لژ تهران باقی ماندند و باب مکاتبه را با دبیر لژ همچنان مفتوح نگاهداشته‌اند .

در نتیجه خروج عده‌ای از لژ تهران و با موافقت دبیر اعظم لژ اسکاتلند، قرار شد که به جای آنها یک که در خارج از ایران هستند و در سایر لژها کار می‌کنند، عده‌ای ایرانی که تقاضای عضویت کرده بودند به عضویت لژ در ایران پذیرفته شوند . علاوه بر این مرکز لژ اسکاتلند موافقت کرد که از مجموع ۹ عضوی که حد نصاب پذیرفتن عضو جدید برای لژ روشنائی در ایران است ، همه ساله صدی بیست . عضو ایرانی و صدی هشتاد بقیه عضو انگلیسی زبان و تابع انگلستان به عضویت پذیرفته شوند .

باید دانست که هر يك از لژهای فراماسونی برای پذیرفتن عضو جدید تعداد معینی سهمیه دارند که از طرف مرکز لژ اسکاتلند تعیین می‌شود و نسبت به تعداد پذیرش عضو جدید جلسات سالیانه تعیین می‌شود که در آن شرایط ورود عضو مورد بررسی قرار می‌گیرد .

در هر يك از جلساتی که پیشنهاد عضو جدید و اوراق تکمیل او را مورد بررسی قرار می‌دهند ، چنانچه با نظر همه اعضاء و به اتفاق آراء صلاحیت عضو جدید مورد قبول واقع شد ، رسمیت عضو را اعلام می‌کنند . و در غیر این صورت بار دیگر که شاید تا یکسال طول بکشد ، پیشنهاد عضویت بتعمیق می‌افتد و آنگاه مجدداً مطرح می‌شود ، و چنانچه همه حضار هنگام اخذ رأی با (مهره سفید) به (تقاضای بیگانه) رأی دادند ، عضویت او رسمیت پیدا می‌کند و وی را با تشریفات وارد لژ می‌کنند .

اینک به معرفی و فعالیت لژ روشنائی و سایر لژهای انگلیسی زبان در ایران که در کتابهای سال گرانند لژ اسکاتلند چاپ شده می‌پردازیم :

لژ شماره ۱۱۹۱ بنام روشنائی در ایران Light in Iran

مرکز این لژ از سال ۱۹۱۹ - م (۱۲۹۸ - ش) در تهران خیابان قوام السلطنه کلیسای میسیون مذهبی امریکائی و کلیسای انجیلی تهران است که هر سه شنبه آخر ماه مسیحی کلیه اعضاء، در محل کلیسا اجتماع می‌کنند. لژ مزبور روز هفتم اگست ۱۹۱۹ در تهران افتتاح شده است. چون از سال ۱۹۵۲ - م (۱۳۳۱ - ش) کتابهای سال فراماسونی وابسته به گرانند لژ اسکاتلند منتشر شده، لذا فقط به ذکر اسامی رؤساء لژ از آنسال به بعد اکتفا می‌شود :

سال ۱۹۵۲ :

LT, - col. Albert G. Campbell, 75 Leamington terrace pr. m. Edinburgh, 10 .

James R. Cameron, 2 western terrace, Edinburgh, 12 Pr. S.W. Pr. Archibald Ramsay, 20 wood street, coatbridge .

J. D. Payne, American mission, Avenue Marshal Stalin, Teheran

سال ۱۹۵۳ :

در این سال هیچگونه تغییراتی در رؤسای لژ در ادنبورگ و تهران داده نشده است .

سال ۱۹۵۴ :

در سال ۱۹۵۴ تغییرات نسبتاً مهمی در لژ روشنائی در ایران دیده شد، که می‌توان آنرا مقدمه فعالیت بعدی آنها دانست. بین Payne که ۲۵ سال در ایران به عنوان کشیش کلیسای انجیلی امریکائیان روزهای یکشنبه موعظه می‌کرد و روزهای سه شنبه آخر هر ماه مدیر و خزانه دار جلسات لژ بود، با امریکا رفت. فراماسونهای ایرانی هنگام عزیمتش ضیافت بزرگی به افتخار وی برپا کردند. اینک قالیچه گرانها نیز بتوان یاد بود بار هدیه شد، که هم اکنون در خانه‌اش ویزان است .

رئیس کل لژ روشنائی نیز بنام آلبرت کاهیل برکنار شد و بجای او شخص دیگری مأمور ارتباط و اداره لژ در انگلستان گردید. تغییرات مزبور با انتصاب فیروزدورابجی که در سرای دلگشا واقع در خیابان بوذرجمهری تجارت می کند، بسمت دبیر لژ آغاز شد. پس از ۳۳ سال این اولین باری بود که يك شرقی دبیری لژ روشنائی را که مخصوص انگلیسی زبانهاست عهده دار می شد. شاید بتوان این تغییرات را برای پذیرفتن اعضای ایرانی انگلیسی زبان دانست که از آنسال به بعد بعضویت پذیرفته شدند. تغییرات مزبور باین شرح است :

James R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12 Archibald Ramsay, 20 Wood Street, Coatbridge.

Firoz S. Dorabje, Serai Delgosha Avenue, Huzarjomehri, Teheran Iran.

در سال ۱۹۵۵ بار دیگر کارگردانان لژ دچار تغییر و تبدیل شدند باین شرح :

Peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk .

James R Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12.

Archibald Ramsay, 20 Wood Street, Coatbridge.

Firoze S. Dorabje, Seraye Delgosha, Teheran, Iran.

در سال ۱۹۵۶ هیچگونه تغییراتی در کادر لژ و اداره کنندگان آنها در انگلستان روی نداده است .

در این سال کماکان اتباع انگلیسی در بریتانیا، ماسون های ایرانی را در ایران رهبری و اداره می کردند و اجازه ندادند که ایرانیان در اداره لژ شرکت داشته باشند .

سال ۱۹۵۷ کارگردانان لژ دارای مقام های زیر بودند :

Peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk James .

R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12 .

Archibald Ramsay, 20 Wood Street, Coatbridge .

Firoz S. Dorabje, Pirnia building, 5 avenue Churchill, Tehran Iran .

در سال ۱۹۵۸ بار دیگر تغییراتی در لژ داده شد، و به عنوان دبیر لژ نیز

مانند سالهای قبل از انتخاب «دورابجی»، یک نفر انگلیسی انتخاب گردید.
 گریستوفر فری که همسر ایرانی (خواهر یوسف مازندی خبرنگار خبرگزاری
 یونایتد پرس) را دارد، بجای دورابجی بسمت دبیر انتخاب و یک تغییر دیگر نیز باین
 شرح در انگلستان رویداد:

Peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk.

James R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12.

John P. Tupper, 107 Cluny Gardens, Edinburgh, 10.

Christopher J. Ralrey C/O Lynch and Co. Avenue Foroughi, Teheran.

در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ تغییراتی دیده نمی شود و مثل سال قبل همچنان
 انگلیسی زبانها و اتباع انگلستان بر لژ مزبور حکومت می کردند. ولی در سال
 ذابین تغییرات در واسطه ها و سازمان های لژ مذکور پدید آمد:

سال ۱۹۶۱:

Peter Mcmain, 27 Mariner Road, Camelon, Falkirk

James R. Cameron, 2 Western Terrace, Edinburgh, 12

John P. Tupper, 107 Cluny Gardens, Edinburgh, 10

Firoze S. Dorabjee, 77 Avenue Fardowsi, Teheran, Iran

از سال ۱۹۶۲ به بعد چون لژهای فارسی زبان وابسته به این سازمان
 انجمن سوری انگلیس بوجود آمدند، تغییرات آن ذکر نمی شود. و تنها آنچه را
 در سالنامه سال ۱۹۶۸ نوشته شده است، نقل می کنیم:

واسطه این لژ در سال ۱۹۶۸ در انگلستان:

Peter Mcmain, 712 Parkfoot Court, Glenbrac, Falkirk.

ومنشی لژ در ایران Percy J. Waghorn, P. O. Box 1508 می باشند.

لژ مذکور کماکان روزهای سه شنبه آخر هر ماه مسیحی در کلیسای انجیلی
 پهبان قوام السلطنه تشکیل جلسه می دهد و وعده ای از هموطنان ایرانی با شرکت
 هیئت آن، به دست بوسی استادان اعظم انگلیسی لژ روشنائی نائل می شوند
 این افتخار را در خاندان خود باقی می گذارند.

اینک به معرفی دو لژ انگلیسی زبان دیگر که خوشبختانه با ملی شدن صنعت نفت و اخراج انگلیسها از خوزستان، تعطیل شد، می پردازیم :

لژ شماره ۱۳۰۵ بنام پیشاهنگ Pioneer

این لژ در اول فوریه سال ۱۹۲۳ (بهمن ۱۳۰۱) در شهر آبادان تشکیل شد. اکثریت قریب باتفاق اعضای این لژ فراماسونی که وابسته به گراند لژ اسکاتلند بود، اعضای شرکت نفت مقیم آبادان بودند. همانطور که اشاره شد، محل لژ مذکور در قسمت اروپائی نشین شهر آبادان بود و محل مخصوص معبد را بخرج شرکت نفت ساخته بودند. اهالی آبادان به لژ مزبور و محفل آنها (شیطون خانه) می گفتند. در موقع ملی شدن صنعت نفت و اخراج کارکنان انگلیسی از آبادان، لژ مزبور تعطیل و کلیه اثاثیه و لوازم آن موقتاً به بصره حمل شد. فقط تعدادی عکس اعضای لژ بدست ایرانیان افتاد که آنها مفقود شد و از بین رفت.

در سال ۱۹۵۲ که نخستین نشریه سالانه گراند لژ اسکاتلند منتشر گردید، این لژ تعطیل شد و متینگهای ماهانه آن برگزار نمی شد، معذالک اشخاص زیر سمتهای مختلفی در آن داشتند :

W. H. Robinson, Barrington House, 8 Hepscoot, South Shields.

William Cunningham, 11 Blinkbonny road, Edinburgh, 4.

Jack Wiscombe, 3 Riverside, Woodmead Road, Lyme Regis, Dorset.

در سالهای ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ تغییراتی که در لژ مزبور داده شده فقط تعویض

دبیر لژ بوده. بدین ترتیب که در سال ۱۹۵۳ :

Frederick. T. Yorwarth, Beach Lodge, 11 Granville road. Little-hampton. Sussex.

دبیر لژ پیشاهنگ شده و سال بعد :

Jack Wiscombe, 3 Riverside, Woodmead road, Lyme Regis, Dorset.

بسمت دبیری انتخاب گردید. در سال ۱۹۵۶ نیز یکی از اعضای شرکت نفت عدن بنام (E. L. Allsup) دبیر لژ شد. لژ مزبور، با همان تشکیلات و سازمان اداره کنند.

در حال تعطیل بود، تا اینکه در سال ۱۹۵۷ با تصویب گراندر لژ اسکاتلند، لژ مزبور با همان نام به عدن منتقل شد. در عدن این لژ اعضای انگلیسی زبان عضو شرکت نفت را عضویت پذیرفته و هیئت رئیسه و اداره کننده ای باین شرح از طرف لژ برای شروع بکار لژ تعیین نمود:

W. H. Robinson, Barrington House, 8 Hepscott Terrace, South Shields.

William Cunningham, 11 Blinkbonny Road, Edinburgh, 4.

Walter J. Smith, 85 Dalkeith Road, Dundee.

John I. Hanson, c/o B. P. Refinery (Aden) Ltd. P.O. Box 80

Aden.

این لژ در دومین سه شنبه هر ماه جلساتش تشکیل می شده و مدت ضیافت لژ از اکتبر تا اپریل هر سال بوده است. اثر مذکور نیز پس از سال ۳۴ در ایران منحل شد و به عدن منتقل گردید. از سال ۱۹۵۹ به بعد لژ پیشاهنگک در عدن به صورت لژ (فعال) و مشغول (عمل و کار) در آمده است. محفل آن از اکتبر تا بهار است. هر چهارشنبه هفته مسیحی در ماه، جلسات لژ مزبور تشکیل می شود. و بعداً این لژ بنام «Arabia Felix» نامیده شده است.

لژ شماره ۱۳۲۴ بنام مسجد سلیمان Masjid - 1 - suleman

لژ مسجد سلیمان در روز ۷ فوریه ۱۹۲۴ (بهمن ۱۳۰۲) یعنی یکسال و هفت ماه بعد از لژ پیشاهنگک آبادان برای انگلیسیان و تعداد معدودی ایرانی که در انگلیسی تکلم می کردند، در منطقه مسجد سلیمان و اهواز تشکیل شد. لژ لژ تا قبل از اخراج انگلیسها از آبادان، هر سه شنبه آخر ماه و از اکتبر تا بهار هر سال باز بود و فعالیت می کرد.

شرکت سابق نفت محل بزرگ و مجللی، مخصوص لژ ساخته بود که پس از انقلاب کلیه اثاثیه و لوازم آن برچیده شد و کاشیهای کف و دیوارها که به اشکال و طرحهای مزین بود تا تصرف تأسیسات نفت بوسیله ایرانیان همچنان باقی بود. چون

این محل بعداً محل حسابداری شرکت‌های عامل نفت شد، متصدیان امر روی کاشیها را با گچ سفید مستور کردند و کاشیهای کف محفل نیز تعویض شد .

از سابقه فعالیت این لژ مثل سایر لژهایی که در مناطق شرکت نفت سابق بود، هیچگونه اطلاعی در دست نیست و برای اولین بار در سال ۱۹۵۶ در نشریه سالانه گرانند لژ اسکاتلند، نام را بطین این لژ در حال تعطیل باین شرح نوشته شده است :

John Bernard, 18 Lansdowne Crescent Glasgow, N.W

James Pearson, Cemetery Lodge, East kilbride.

James Maitland, 6 Comely Bank Grove, Edinburgh, 4

Robert L. Cunningham, Victoria Motel, Largs.

در سالهای ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ لژ مسجد سلیمان با همان نام و مشخصات، کماکان تعطیل بود و رؤسا و اداره کنندگان آنهم تغییری نیافتند، در سال ۱۹۵۵ فقط

James H. Mcnamare, 30 Prestwick Street, Glasgow, S. W. 3

با داشتن سمت (استادی) بریاست لژ در حال تعطیل برگزیده شد و به استاد و اداره کننده سالهای قبل این لژ، سمت دیگری دادند .

کسانیکه مسئول و اداره کننده لژ در حال تعطیل بودند، تا سال ۱۹۵۷ کماکان سمت‌های سابق را داشتند . در سال ۱۹۵۸ رؤسای لژ تغییر کردند و فقط

یک نفر دبیر Robert L. Cunningham در پست خود باقی بود و برای سایر مشاغل مسئولی تعیین نشد .

از سال ۱۹۵۹ به بعد در کتاب سال گرانند لژ اسکاتلند، حتی شماره ردیف لژ مسجد سلیمان حذف شده است . چنین بنظر می‌رسد که گرانند لژ اسکاتلند این حقیقت مسلم را که انحلال لژ با اخراج انگلیسها از خوزستان کاریست انجام شده و اجتناب ناپذیر، قبول کرده است . منتهی چون امید به بازگشت انگلیسها به خوزستان در منطقه نفت خیز را داشته‌اند، لژ مزبور را به نام مسجد سلیمان حفظ کرده‌اند تا بار دیگر فعالیت خود را از سر گیرد .

نکته جالب توجه اینکه فراماسونری اسکاتلند، تا قبل از هلی شدن صنعت

بافت در ایران، لژ فراماسونری «اندریو مقدس» را که در بحرین فعالیت می‌کرد،
 که بر نظر لژ روشنائی در ایران قرار داده بود، که بعد از اخراج انگلیسها از آبادان،
 این لژ نیز زیر نظر لژهای خلیج فارس به فعالیت پرداخت. اینک این لژ را بطور
 بحال معرفی می‌کنیم :

Bahrain st Andrew

لژ شماره ۱۳۳۱ بنام اندریو مقدس بحرین

لژ مزبور روز ۴ نوامبر ۱۹۴۸ در اوالی مرکز جزیره بحرین تشکیل شد.
 لژ هر ۱۵ روز یکبار آنهم روزهای سه شنبه تشکیل می‌شود و اعضای انگلیسی
 بریتانی در جلسات لژ شرکت دارند. مدت تشکیل لژ از سپتامبر تا می هر سال
 ، در سالنامه سالانه از نشانی لژ ذکری نشده، فقط نام شماره صندوق پستی آن
 در نشریه آمده است. در لیست رؤساء لژ مزبور فقط نام منشی لژ مقیم بحرین
 ، لژ مزبور جزو لژهای فراماسونی منطقه ایران است و رئیس آن استاد اعظم
 م ایران می‌باشد.

در سال ۱۹۵۲ رؤسای لژ مزبور بدین شرح بوده‌اند :

Andrew Macbride C/O Sutherland, 144 Woodlands Rd

Glasgow, C. 3

William P. Burgess, 227 Wilton Street, Glasgow, N. W.

George B. Watson, West End House, Pillochry.

C. H. P. Smith, P. O. Box 173. Awali, Bahrain Island, Persian Gulf

در سال ۱۹۵۳ هیچگونه تغییراتی در لژ بحرین داده نشد، ولی در سال

۱۹۵۴ بر تعداد جلسات سالانه آنها اضافه شده و در این تغییرات هر دو مین سه شنبه
 و مین چهار شنبه ماه جلساتشان تشکیل می‌شده است.

در سال ۱۹۵۵ کلیه رؤساء و کارگردانان همچنان مسئول اداره و واسطه لژ

ماند، ولی منشی لژ عوض شده است. این شخص بنام :

William M. Kil Gour, 113 Bangorshill Street, Thornliebank Glasgow

در سال ۱۹۵۶ در اداره کنندگان لژ در انگلستان و بحرین فقط يك تغییر

داده شده و آنهم دیر لژ بوده است .

دیر لژ در این سال :

Lawrence Johns, Box 471, Aweji, Bahrein, Persian Gulf می باشد .

در ۱۹۵۷ بار دیگر دیر لژ عوض شده و در کادر اداره کنندہ در انگلستان

نیز تغییراتی باین شرح پیدا شده است :

Andrew Macbride, 144 Woodlands Road, Glasgow, C. 3

William P. Burgess, 227 Wilton Street, Glasgow, N. W.

George B. Watson, 52 High Street, Elie, fife.

E. W. Huschmann, P. O. Box 893, Awali, Bahrin Island, Persian

Gulf.

در ۱۹۵۸ نیز بار دیگر دیر لژ عوض شده ولی در سمتهای کارکردانان دیگر

تغییراتی داده نشده .

دیر لژ در این سال: Alen H. Bland, Box 700 Awali Bahrein بوده است.

در ۱۹۵۹ نیز دیر لژ بحرین عوض شده و یک انگلیسی دیگر بنام :

Herbert S. Clarkson, Box 118, Awali, Bahrain . می باشد .

سال ۱۹۶۱ :

در این سال دیر لژ تغییر سمت یافته و Patrick A. Bishop, C/O Hapco 3

که ساکن خانه ۳۸ شهر اوآل بحرین می باشد به سمت دیر انتخاب شده است .

در سال ۱۹۶۲ نیز بار دیگر دیر این لژ تغییر کرده و شخصی بنام

John D. Taylor بدین سمت منصوب گردیده است .

در سال ۱۹۶۸ لژ اندریو مقدس بحرین در خیابان رفاه شرقی شهر منامه

تشکیل می گردد . نماینده و واسطه انگلیسی این لژ در ادنبورگ اسکاتلند :

W. S. Wallace, 17 Murray Field, Ave. می باشد .

و دیر لژ در بحرین یک یهودی بنام: Samuel Barr, P. O. Box 266 مقیم خیابان

اوآلی شهر منامه است. فراماسونها انگلیسی به علت عنادی که با ایران دارند در آدرس

این لژ بجای خلیج فارس ، خلیج عربی ذکر می کنند .

لتر روشنائی در ایران، از روزی که شروع به کار کرد، محل
 تشکیلات محفل ماسونسی و فعالیت خود را کلیسای انجیلی
 خیابان قوام السلطنه قرارداد. این کلیساکه در سال ۱۹۲۲ م -
 ۱۳۰۱ هـ) مقارن با تأسیس لتر روشنائی در ایران ساخته شد، بموجب قوانین ایران
 از اکثر مذہبی را از شرکت در فعالیت‌های سیاسی منع کرده است، حق نداشت
 فعالیت‌های غیر مذہبی شرکت کند. زیرا بموجب ماده ۳۵ قانون مدنی ایران:
 «هیادت بر این جاری است که نمایندگان دیپلماتیک بتوانند در داخل مسکن
 شخصی داشته باشند» با اینکه مؤسسين کلیسای انجیلی از روز آغاز فعالیت
 شده بودند که در امور سیاسی کشور مداخله نکنند، با اینحال اولیای کلیسای
 المی پنجاه سال است که به فراماسونها اجازه می‌دهند تا در داخل کلیسا اجتماع
 و با شرکت در بحث‌های سیاسی و مذاکرات دیپلماتیک، رسماً در اموری که
 به ارتباطی ندارد، مداخله نمایند. با وجودیکه در قوانین و مقررات موضوعه
 هیچ‌یک صریحاً اینان را از فعالیت در امور غیر مذہبی منع کرده^۱، با اینحال
 کشیش امریکائی کلیسا بیست سال کارگردان اصلی لتر روشنائی در ایران بود.
 در دوران بیست ساله سلطنت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر که تشکیل
 دولت غیر ایرانی قدغن بود، فراماسونهای انگلیسی و امریکائی بنام انجام

۱ - بموجب مصوب نامہ هیئت وزیران که عین آن در نشریه شماره سوم جلد اول شهر پور
 وزارت امور خارجه چاپ شده، پیردان مذاهب نمی‌توانند پیشوای مذہبی غیر ایرانی
 باشند و در امور سیاسی دخالت کنند. با اینحال بطوریکه دیدیم (بین) کشیش کلیسای
 بیست سال در خدمت تشکیلات مخفی انگلستان بود و به آنها خدمت می‌کرد.
 ماده از مصوب نامہ را نقل می‌کنیم:

«اول - به پیردان کلیه مذاهب مختلفی که در کشور شاهنشاهی اقامت دارند راز مزایای
 چهارم کشور استفاده می‌نمایند اخطار می‌گردد که پیشوایان مذاهب خود را از پیردان
 مذاهب که تبعه دولت شاهنشاهی هستند انتخاب نمایند.»

۲ - پیشوایان انتخاب شده فقط در امور مذہبی شرکت خواهند نمود.

رحمه فرمان ناسیس نژدهما یو وازجواب حناایی راشداستان اعظم

و رئیس بزرگ نژ شرق اکبر مثالی عالمی

بنام خدای آفریدگار - مهتدس کون اعظم -

شرق بزرگ مثالی عالمی - از طرف رئیس اعظم

بنوده بنایان آزاده حقیقت پرور قدیم و پذیرفته در میان دولت‌های عالم به بنایان آزاد ما ، با احترام نام ، و به آنان که به احترام و حرمت فائق آمده و رؤسای محترم و به برادران عزیز ... سلام نام و بزرگداشت و اکرام

اما بعد - ما اطلاع یافتیم که برادران گرامی ، استاد ما آقایان محمدخلیل جواهری و دکتر

احمد هومن و محمود هومن و مین - لایوآدین و جعفر رائد و محمدعلی امام و محمد قریشی و ارنست برتون خواسته اند که در باره ایجاد محفلی از محافل بنایان آزاده حقیقت پرور بنام محفل همایون تصمیم شود که تابع محفل بزرگ مثالی عالمی امور اطوری ایران باشد در تحت نظام های شرق اکبر مثالی . و بسبب آنچه از قدرت فرمان جهانی ، ما راست ، که اصول بنایان آزاده اقتضای آنرا داد و خواست آنان را بپذیریم ، و ما خواهش آنهارا با لیبیک اجابت کرده و بنایتوصیه از محفل بزرگ آنها آنان را بپذیریم . و به علت اینکه ما به ایشان وثوق و اعتماد داریم موافقت کردیم به ایجاد محفلی اقدام شود به نام محفل همایون بشماره $\frac{1}{45}$ که در شرق - تهران - ایران دایر شود و بدین محفل در زمان اجتماع قانونی خود اجازه دادیم که طالبان را بپذیرد و آنهارا با سرار بنایان آزاده آگاه نماید و برادران ما را بدرجه دوم و سوم ارتقاء دهد و نیز غیر از اینها طالبانی را که بخواهند ملحق شوند ، پذیرا شود و اعمال دیگری که بحسب دستور ماسونی جهانی باشد و موافق با نظام و احکام داوروی آن ، قبول نمایند .

جهت اجابت به تقاضای این گروه از برادران ، آقای محمدخلیل جواهری را رئیس محترم این محفل انتخاب کردیم و آقای دکتر احمد هومن را به عنوان استاد ارجمند اول و آقای محمدعلی امام را به سمت استاد ارجمند دوم او بر گزیدیم . و بر عهده رئیس محترم است که محفل را بنام آفریدگار بزرگ جهان بگشاید ، و با اداره اعمال آن قیام نماید و بگرداندن امور آن اهتمام کند تا آنجا که او برای خورش جان نشینی از برادران محترم سابق و با از کسانی که عهده دار و وظیفه بنایی در محفل حقیقت پرور منظم باشد ، بر گزینند ، و پس از انتخاب بر کسی ریاست خود به نشیند بر حسب اصول بنایان آزاده کهن تا او را قدرتی کامل باشد که با آن ، قیام بوظیفه خویش را تصدیق نماید ، و ما باو تأکید می کنیم ، یکسانی که از برادران با او همکاری می کنند اعتماد کنند و از آنها اعتماد بگیرد و آنهارا به هدایت و آگاهی راهبر باشد ، و اینکه چنانکه به تصور فرمان و نظام عمومی و قرارهایی را که شرق اکبر مثالی عالمی ، و محفل بزرگ مثالی وطنی هم قسم صادر کرده و می کنند ، عمل کنند ، و اینکه پلک آئین نامه داخلی جهت اداره محفل بنویسند بطرزیکه مخالف قوانین و دستورات ماسونی مثالی عالمی و نظام عمومی نباشد بعد از تنظیم این آئین نامه داخلی ، آنرا برای گواهی از طرف محفل بزرگ حقیقت پرور امر اطوری ایرانی تسایع برایشان برای ما بفرستند و اینکه مقید به لایحه و جمیع مواهید آن باشند و بوعده وفا کنند و به پیمان خویش عمل نمایند ، که از پیمان سؤال کنند .

و بموجب این فرمان به آنها اجازه میدهم که بدان عمل نمایند تا زمانیکه بر این وصایا محافظ و مطیع باشند و در سجل عمومی مقید باشند .

این فرمان صادر شد از طرف بنایان آزاده و حقیقت پرور جهانی بدستور ما و مهر زده شد به مهر شرق اکبر مثالی عالمی در شهر قاهره و بیروت - روز شنبه ۲۴ نوامبر ۱۹۵۱ ، موافق ۲۳ نوامبر سال ۱۳۵۱ از تاریخ عمومی مهر جاامل ختم اعظم - مهر و امضاء خزانه دار کل - مهر معیار بزرگ - کاتب - بر اصنام - رئیس دیوان اعظم - استاد اعظم

سماخ بنایان آزاد



نمای خارجی کوسای انجیلی که بنام هیادنگاه ساخته شده، دلی فراموشیهای انگلیسی آنرا سماخ بنایان آزاد می نامند و جلسات لژ را در آنجا تشکیل می دهند



دریچه ای که شب های سه شنبه هفته چهارم هر ماه منسختی پریش در ورودی کوسای انجیلی نصب می شود، این دریچه کیسه ساهی است که نگهبان داخلی لژ روشنائی با آن ناز و وارد را می بیند و علامت مخصوص را رد و بدل می کند

مراسم مذهبی از ساعت شش بعد از ظهر، روزهای سه شنبه چهارمین هفته هر ماه مسیحی، در یکی از سالن‌های اجتماعات مذهبی کلیسای انجیلی گرد می‌آمدند، لژ روشنائی در ایران را تشکیل می‌دادند که تا به امروز نیز تشکیل این جلسات ادامه دارد.

چون در ایران همواره آزادی مذهب وجود داشته و پیروان مذاهب مختلف الهام آداب و رسوم مذهبی خویش آزادی کامل داشته‌اند، فراماسونهای عضو لژ، با سوء استفاده از این آزادی و به عنوان تشکیل جلسات مذهبی، در این لژ اجتماع کرده و می‌کنند.

تشکیل این جلسات، همراه با تشریفات جالب و مراسم خاصی است که در غیر ماسون از آن آگاهی ندارند. و این مراسم بدین نحو است که یکساعت از آغاز مذاکرات رسمی لژ، دو نفر از اعضای کرسی روشنائی در ایران که سمت مأمور تشریفات و دبیر انتخاب شده‌اند، سالن را تزئین کرده، پرچم ماسون لژ روشنائی را با مثلثی که چشم خدای فراماسونها در آن نقش شده است، راه با سایر تزئینات بدر و دیوار نصب می‌کنند. در ساعاتی که جلسات لژ تشکیل می‌شود مشغول فعالیت است، بمنظور استتار محل دریاچه‌های سالن که با شیشه‌های زین تزئین شده، با پرده‌های سیاه پوشانیده می‌شود و برای اینکه (غیر ماسون) وارد این سالن نشود، در خارج ساختمان دو مستخدم واردین را کنترل می‌کنند. وقتی اعضای لژ از در ساختمان وارد سالن کوچک و رخت‌کن می‌شوند، همان داخلی لژ که قبلاً برگزیده و انتخاب شده است و شمشیر برهنه‌ای در دست دارد، تاز و وارد را یکبار دیگر و بدقت کنترل می‌کند. آنگاه عضو را سمت راست خود را به محفظه مثلث شکلی که از آن طرف سالن یا پارچه‌ای بطول نیم متر و بشکل آستین کت احداث شده است، فرو می‌کند و نگاهبان داخلی لژ که در آن سوی دیوار است دست می‌دهد. لازم به یادآوری

است، که فراماسونها برای اینکه همدیگر را بشناسند، بطرز مخصوصی با هم دست می‌دهند و با انگشتان دست، مخصوصاً با انگشت سیب‌بهدست راست علامت لژ را بطرف منتقل می‌کنند. همینکه نگهبان داخلی شمشیر بدست، مطمئن شد که تازه وارد بیکانه نیست، دیورودی داخلی سالن لژ را باز می‌کند و اجازه ورود به معبد را می‌دهد. هنگامی که کار لژ پس از چهار ساعت پایان یافت، مأمور تشریفات لژ با کمک دو نگهبان داخلی و خارجی، همه علائم و عکس‌ها و پرچم لژ و سایر لوازم تزئینی را جمع کرده، داخل چمدانی می‌گذارند و آن را به منزل دبیر لژ و یا محل دیگری که قبلاً در باره آن با استاد اعظم توافق شده است، می‌برند.

در سایر لژهای فراماسونری که دارای محل مخصوص و محفل و معبد هستند، چنین تشریفات صورت نمی‌گیرد، زیرا اماکنی که برای لژها تعیین شده، در اختیار اعضاء کرسی انتخاب شده می‌باشد و نگهبانی سالن و اطاق‌های پذیرایی و دفتر و رخت‌کن با استاد اعظم و دبیر لژ است.

بدین ترتیب ملاحظه فرمودید که چگونه در راه تأمین اغراض و هدف‌های سیاسی و استعماری، حتی مذهب و الهیات نیز بصورت بازیچه و ابزار و وسیله در می‌آید. یعنی محلی که با تکیه به معتقدات معنوی انسان و برای انجام فرایض و آداب و مراسم مذهبی بنا شده است، با سوء استفاده از اصل آزادی مذهب و زیر سرپوش تشکیل اجتماعات مذهبی، بمرکز توطئه و محل تشکیل جلسات سیاسی و دخالت در امور کشور مستقلاً که هدفش تأمین (سیاست مستقل ملی) است، مبدل می‌گردد.

از سال ۱۹۲۲ - م (۱۳۴۰ - ه) که کلیسای انجیلی تهران بنا شده است، تا با امروز - یعنی نزدیک به نیم قرن - هر ماه یکبار و در حقیقت متجاوز از شصت جلسه و اجتماع لژ فراماسونری انگلیسی درین کلیسای مذهبی امریکائی که بنام مسیحیت و خداپرستی بوجود آمده، تشکیل شده است. و اعضای لژ روشنائی در ایران، زیر سرپوش اجتماعات مذهبی و در پناه ساختمان کلیسا، بیش

از ششصد بار در جلساتی که هدف آن مذاکرات سیاسی و دخالت در امور کشوری که به آنها آزادی اجتماعات مذهبی داده است، شرکت کرده و به بحث و مذاکره، پرداخته‌اند. اینکاش روزی می‌آمد که این لایدهای فساد (مذهبی و سیاسی) درین مملکت برچیده می‌شد تا مردم میهن ما از تحریکات و دسیسه‌ها رهائی می‌یافتند.^۱

۱- تاریخ تأسیس کلیسای انجیلی تهران بموجب نوشته دکتر «جان‌الدرد» بدین شرح است: «... ناده اول پس از سال ۱۹۲۰، در شهر تهران دو کلیسای انجیلی وجود داشت، که یکی مخصوص ارمنیان بود، و دیگری به مسیحیان فارسی زبان اختصاص داشت. چون عده مسیحیان فارسی زبان رو بفرزونی نهاد، آن‌ها تصمیم گرفتند برای خود پریشگاهی بنا کنند. در سنه ۱۹۲۲ کلیسای تهران بنام «کلیسای انجیلی تهران» موسوم گشت، ولی هنوز دارای دو شعبه با دو سازمان متفاوت بود. در سال ۱۹۲۳، این دو سازمان بهم ملحق گردیدند.

هنگام تعطیل مدارس میسیون، کلیسای تهران نیز آموزشگاهی بنام دبستان مهر تأسیس نمود، که هنوز برجاست... در فصول قبل باشمال شهر رشت در سال ۱۹۲۰ توسط کمونیست‌ها، و تاراج‌انانیه میسون اشاره شد [منظور از کمونیست‌ها، حزب کمونیست احسان‌اله‌خان می‌باشد که بنام فرقه کمونیست خوانده میشد،] نقل از (تاریخ میسیون امریکائی ایران ترجمه مهیل آذری ص ۹۵).

نگ

نفرت

نفرین

بر آن

ایرانی

که دست بیگانه‌ای ببوسد

ناظر اعظم لژ ناحیه ایران



کریستوفر اسحق فری استاد اعظم و ناظر اعظم لژ ناحیه ایران که شصند
ایرانی بردست او بوده می‌زنند ۱۱

گریستوفر اسحق
فری یهودی الاصل
تبعه انگلیس

اکنون می‌پردازیم به معرفی یکی از برجسته‌ترین اعضای لژ روشنائی در ایران که هم اکنون بر دوازده لژ دیگر وابسته به سازمانهای جهانی گراند لژ اسکاتلند در ایران ریاست دارد. او که دو سال قبل به سمت ناظر اعظم لژهای انگلیس در ایران انتخاب شده، «گریستوفر اسحق فری» نام دارد و تبعه انگلیس است. این انگلیسی یهودی الاصل^۱ که مدعی پیروی از مذهب مسیح است از چهل سال قبل تا کنون در ایران بسر می‌برد. از سوابق او در انگلستان هیچ اطلاعی در دست نداریم ولی از دوران اولیه خدمتش در شرکت سابق نفت گزارشهای تأسف آمیزی موجود است.

او زمانی در تجارخانه شرکت نفت و بعدها در سازمانهای کسب اطلاعات شرکت سابق نفت فعالیت داشت و آخرین پستش ریاست اداره کارگزینی بوده است که پس از ملی شدن صنعت نفت به خدمتش خاتمه داده‌اند. فری پس از اخراج از ایران به عراق رفت و مدتی در بصره علیه دولت ایران فعالیت می‌کرد، ولی بعداً به ردزیا رفته و پس از دو سال بار دیگر به تهران بازگشت. شغل ظاهری او نمایندگی شرکت‌های انگلیسی در ایران و داد و ستدهای بازرگانی است. دوران فعالیت سیاسی و فراماسونری گریستوفر فری از سال ۱۹۴۵ - م (۱۳۲۴ - ش) در شهر آبادان آغاز می‌شود. بدینترتیب که او در این شهر وارد لژ پیشاهنگ Pioneer که لژ شماره ۱۳۰۵ - وابسته به لژ اسکاتلند بود، شد. او در سال ۱۹۵۰ - م (۱۳۳۰ - ش) به لژ روشنائی در ایران پیوست^۲ و پس از اینکه بدستور حکومت وقت ایران از خدمت در شرکت نفت اخراج شد، فعالیت فراماسونری خود را در لژ فراماسونری (فیحا Faiba شماره ۱۳۹۱) که یکی از لژهای تابعه اسکاتلند

۱ - در سالنامه سال ۱۹۶۸ - گراند لژ اسکاتلند اسم اول او را اسحق Isaac ذکر می‌کنند و این خود بهترین دلیل یهودی بودن اوست. رجوع شود به صفحه ۲۱ سطر ۱۶ سالنامه سال ۱۹۶۸.
۲ - ایضاً ص ۲۱ سالنامه سال ۱۹۶۸ گراند لژ اسکاتلند.

در بصره است و اساس آنرا پسران شیخ خزعل بنیان نهاده‌اند دنبال کرد. در سال ۱۹۵۳ - م (۱۳۳۲ - ش) که مجدداً به ایران بازگشت باردیگر در لژ روشنائی در ایران فعالیت خود را از سر گرفت و به موجب مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۸ گراند لژ اسکاتلند در بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷ (۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶) یکی از معروفترین و فعالترین اعضای لژهای انگلیسی در ایران بوده است، بطوریکه در کتاب سال مذکور، این دوران از فعالیت او را با عنوان «Master Thereof» توصیف کرده‌اند. هنگامی که لژ تهران شماره ۱۵۴۱ وابسته به لژ اسکاتلند که مؤسسين آن در بصره، زیر نظر شیخ خزعلی به افتخار عضویت در سازمانهای فراماسونری درآمدند و این لژ در تهران تأسیس شد، اسحق فری عضویت لژ تهران در آمدواز آن پس در سایر لژهای فراماسونری ایران نقش اصلی و اساسی را داشته است و دارد. فعالیت او در لژهای انگلیسی، بدان پایه و مقام رسیده که استاد اعظم لژ اسکاتلند به این یهودی انگلیسی مقام **Honorary Junior Grand Warden** را داده است. کریستوفر اسحق فری یهودی‌الاصول که همه جا نظاهر به دیانت مسیح می‌کند، از روزی که از خدمت شرکت نفت اخراج شده تا به امروز عنوان اداره مهندین شرکت و مشاغل گوناگون را داشته است و هم اکنون نیز در پناه این عنوان به زندگی سیاسی، اجتماعی و فعالیت فراماسونری خود ادامه می‌دهد. چنانکه اینک به اتفاق یوسف مازندی - برادر همسر درگذشته‌اش - شرکت اسکو ASCO در خیابان سپهبد زاهدی را اداره می‌کند.

این یهودی انگلیسی که در سازمان فراماسونری به مقام «ناظر اعظم» لژ ناحیه تهران رسیده است، بالاترین مقام را در سازمان ماسونی ایران دارد. او بر پانصد نفر از فراماسون‌های انگلیسی، تبعه ایران حکومت می‌کند، و این گروه ناچارند دست او را ببوسند و فرامین او را بدون درنگ و چون و چرا اطاعت و اجراء کنند. فراماسونها از روزیکه تأسیسات خود را در جهان گسترش داده‌اند تا به امروز همواره مدعی بوده و هستند که معلم اخلاق، مجسمه شرافت و درستی و پاکدامنی

می‌باشند. شاید بتوان قبول کرد که در بین فراماسونهای ایرانی، در گذشته و حال مردان شرافتمند، درستکار و طرفدار حق و عدالت، و معتقد به دیانت اسلام و وجود ذات باری تعالی، وجود داشته و دارند. چنانچه هم اکنون نیز در اجتماعات فراماسونهای ایرانی - و در لژهای وابسته به انگلیس، فرانسه، آلمان و لژ مستقل ایران که وابستگی به هیچیک از سازمان‌های جهانی را ندارد - چنین افرادی یافت می‌شوند. اینان در اجتماع ایران نیز به نیکنامی و پاکدامنی مشهور هستند و خود نیز بدین صفات عالی انسانی اعتقاد دارند.

ولی بطوریکه در جلد چهارم همین کتاب خواهد آمد، عده‌ای از فراماسونهای کنونی ایران مورد تنفر عامه مردم هستند، بلکه در محاکم دادگستری ایران - سوابقی داشته‌ودر بسیاری از سوء استفاده‌ها و سوء جریانات سهم و شریک بوده‌اند. و هنوز هم هستند... و پرونده‌های بعضی از آنها به پایه محکومیت قطعی نیز رسیده است.

به عنوان مثال همین اسحق فری ناظر اعظم فراماسونری ایران و کسیکه یانصد فراماسون ایرانی مجبور به بوسیدن دستهایش هستند، پرونده‌هایی در شعبه اول دادسرای تهران واقع در خیابان فرصت دارد که خلاصه‌ای از آنرا برای شناختن هر چه بیشتر این استاد اعظم و رهبر سازمان فراماسونری انگلیس در ایران، نقل می‌کنیم: این پرونده‌ها که به شماره ۴۶ - ۲۹۸۹ و ۴۷ - ۲۹۰۰ در شعبه اول دادگاه بخش تهران تشکیل شده مبنی بر ادعای او علیه بانو «انی مازندی» مادر همسر فقید او «رزی مازندی» است. قبل از اینکه خلاصه پرونده او را نقل کنیم لازم است، شمه‌ای از زندگی خانوادگی وی را که منجر به طلاق همسر او شد و ازدواج با رزی مازندی شده است، بنظر خوانندگان ارجمنند برسانیم:

۱ - در جلد چهارم سوابق انگین و سوء استفاده و محکومیت سی و هفت نفر از صاحبان مقام فراماسونری کنونی ایران با اسناد و مدارک انکار ناپذیر منعکس شده است، که در ایتالیا زیر چاپ می‌باشد.

هنگامیکه اسحق فری به ایران آمد همسری بنام «مادلین ماتیلدا» داشت که او را بنام خانوادگی شوهرش «مادلین فری» می نامیدند. دوران زندگی این زن و شوهر همیشه با نزاع و کشمکش توأم بود. و با اینکه آنان یک پسر و یک دختر نیز داشتند، با اینحال فری در ۲۹ مه ۱۹۴۷ همسرش را طلاق داد. در این ایام روزی مازندی در آبادان در شرکت سابق نفت کاری کرد. و اسحق فری نیز سرکارگر چهارخانه و با اصطلاح کارگران نفتی (فورمن) بود، «رزئی» در این ایام دو هواستگار داشت. نخست یک نفر هندی با مقام و درآمد بیشتر و دیگری اسحق-رزئی کارگر نجارخانه که همسر اولش را طلاق داده بود. فری بعد از چندین سال رفت و آمد به خانه مازندی سرانجام «رزئی» را حاضر به ازدواج با خود ساخت. وجود اینکه بین اسحق فری متولد هفتم ماه ۱۸۹۸ - با «رزئی» که از او بیست سال جوان تر بوده است، اختلافات سنی زیادی وجود داشت. با اینحال «رزئی» حاضر به ازدواج با اسحق شد. قبل از انجام مراسم عقد بموجب قوانین مدنی ایران «اسحق فری» که مذهب خود را مسیحی اعلام کرده بود می بایستی به دین اسلام درآید. زیرا بموجب ماده ۱۹۵۹ قانون مدنی ایران (نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست) به دنبال این ماده قانون، قانونگذار ماده دیگری تصویب کرده که می گوید: (ماده - ۱۰۶۰ ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در موردی هم که تابع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است).

بناچار اسحق فری در محضر یکی از علمای شرع (احتمالاً مرحوم آیت الله تهرانی بوده) به دین اسلام در آمده و نام «علی» را بجای «اسحق» بر روی خود گذاشت. سپس ازدواج این دو که در تهران انجام شد، در محضر رسمی نیز به ثبت رسید و در قباله ازدواج مذهب زوجین مسلمان عنوان شده است. ولی ملیت رزئی مازندی «ایرانی» و ملیت «علی فری» انگلیسی به ثبت رسیده است.

۱ - دختر باقی مانده از «مادلین» شغل اولیه اش اریست. در مراجع مختلف بوده که هم اکنون همسر یک امریکالی نرومنند است. پسرش نیز خلبان هواپیماست.

در حر و فحشین را که عضو حزب منحلّه توده نبودند ، به اختیار گرفتیم و کلیه اوراق لثرا به صورت حروف و صفحات در آوریدیم و همین دو تن را به کار چاپ آنها واداشته از اواخر سال ۱۳۳۰ شمسی (۱۹۵۲ م) فعالیت زیرزمینی ما با رعایت کلیه آداب و رسوم مخفی برای قبول عضو جدید و تشکیل جلسات شروع شد . البته در جلسات لباس رسمی نمی پوشیدیم . زیرا وسیله و محل تعویض لباس و سایر تشریفات در اختیارمان نبود . فقط سوگندنامه ای تنظیم کردیم که هر کس می خواند خود به خود عضو لثر همایون می شد . به نظر من سوگندنامه را دکتر احمد هومن انشاء کرده و در آن چنین نوشته شده بود :

بنام با عظمت معمار بزرگ جهان

من ... از سکنه ... و تبعه ... بخداوند بزرگ و به کتاب مقدس و عزیز و به شرافت خودم قسم می خورم که نسبت به لثر خودم همایون که تابع لثر بزرگ ایده آلی جهانی است وفادار باشم و عملی کردن آئین نامه اساسی و داخلی آنرا عهده دار گردم و به پادشاهم و دولت و میهنم شرافتمندانانه و صمیمانه و صادقانه خدمت کنم و از شرافت خود و خانواده ام محافظت نمایم و نسبت به برادرانم در لثر و هر برادری که از عشیره آزاد است وفادار باشم و هیچگاه وجود خداوند یا یکی از ادیان آسمانی را انکار نکنم و هر تکب هیچگونه عمل زشتی تشوم که از مقام عشیره من بکاهد . و خانواده برادر فراماسون خود را خانواده خود و پدر و مادرش را پدر و مادر خویش و زنش را خواهر خود و نیز خواهرش را خواهر خود و دخترش را دختر خود و فرزندان او را فرزندان خود بدانم و تعهد می کنم که اسرار فراماسنی را فاش نکنم و راجع بر موز با کلمات یا اشارات آن چیزی ننویسم و نگویم و آنچه از دستم بر آید در راه خدمت به برادران فراماسنی در بیخ نکنم و نسبت به فقراء و نیازمندان مساعدت نمایم و نسبت به بیماران مهربانی کنم و همیشه در راه خدمت به بشریت بکوشم و از آلام و دردهای آن بکاهم و دایم در فکر ایجاد نقشه های انسانی و عمرانی بشفع برادران فراماسنی علی الخصوص و به

پس از اینکه زوجین از تهران به آبادان رفتند «فری» که در پاسپورت انگلیسی‌اش نام او را کریستو فرایزاک (اسحق) فری نوشته‌اند، ازدواج با همسرش «رزی مازندی» را در جون ۱۹۴۷ - م (تیر ماه ۱۳۲۶) به کنسولگری انگلیس در خرمشهر اطلاع داد. از دوران زندگی مشترک این دو نفر که بیست سال و سه روز بطول انجامید، ذکری نمی‌کنیم، زیرا نمی‌خواهیم وارد خصوصیات اخلاقی طرفین و اختلافات خانوادگی استاد اعظم فراماسونری که می‌بایستی مریی اخلاق و مجسمه درستی و درستکاری باشد - بشویم. همینقدر می‌گوئیم که رزی مازندی مبتلا به ناراحتی اعصاب شده، تا جائیکه مرتباً با خوردن قرص‌های خواب آور، اعصاب خود را تسکین می‌داد. او هر چند سال یکبار وصیت‌نامه‌ای می‌نوشت که یک نسخه از آن را به مادرش و نسخه دیگری به خواهرش که همسر کاشانی (عضو کنسرسیوم) و فراماسون لژ آریا وابسته به اسکاتلند است، می‌سپرد.

در روز اول مرداد ۱۳۴۶ که مدت دو سال مهلت وصیتنامه‌اش بسر آمده بود، بار دیگر وصیتنامه‌ای به وسیله هاشین نویس کنسرسیوم نوشت که نسخه‌ای از آن را به همسرش «اسحق فری» و نسخه دیگری به «لیلی کاشانی» خواهرش سپرد. در وصیتنامه خواهرش مبلغی از موجودی یکی از بانکهای انگلیس را به او بخشیده و مبلغی را نیز به مادرش اختصاص داده بود. جالب توجه اینکه در سال‌های اخیر «رزی مازندی» از زندگی خانوادگی خود ابراز تنفر می‌کرده و همواره از عملیات و کارهای عمومی شوهرش شکایت داشته است. در همین ایام «اسحق فری» به - همسرش پیشنهاد می‌کند که پس از آغاز تعطیلات تابستانی لژهای فراماسونری به اتفاق او به انگلستان برود. با اینکه رزی تبعه ایران بود، با اینحال همسرش با کمک دوستان فراماسونرش در سفارت انگلیس برای او پاسپورت انگلیسی می‌گیرد. و حال آنکه تا آن تاریخ در همه اسناد رسمی و پرونده کنسرسیوم، ملیت او را ایرانی نوشته‌اند، و هیچ مجوز و مصوبه‌ای نیز وجود ندارد که باستناد آن، دولت ایران به وی اجازه ترک تابعیت داده باشد.

پاسپورت و ویزای کنسولگری انگلیس روز ۱۸ جولای ۱۹۶۷ صادر می شود.
 «رزی فری» راضی به رفتن به انگلیس نبوده و به دوستان و اقوامش گفته بود
 «جمهوری به عزیمت از ایران شوم نمی دانم چه کنم . . . از طرفی همسرتن اصرار
 می کند که با اتفاق وی عازم انگلستان شود. این کشاکش خانوادگی ادامه داشته
 تا اینکه روز ۱۴ جولای (۳ مرداد ۱۳۴۶) موقعیکه مستخدم منزل طبق
 آن همه روزه، برای بیدار کردن «رزی» می رود و روزنامه را به اطلاق خواب
 آلیه ها می برد، وی را نیمه جان می یابد. بلافاصله برادر و مادرو همسرش او را
 بیمارستان رضابهلوی شمیران می برند ولی معالجات مؤثر واقع نمی شود و در
 بیمارستان فوت می کند.

مرگ رزی در دفتر گورستان به شماره ۸۶۸۱ روز سوم مرداد ۱۳۴۶ ثبت
 است و او را در محل مقبره «ظهیر الدوله به خاک سپرده اند. در جواز دفن
 هویت مشارالیه را بموجب شناسنامه شماره ۴۳۳۲ سلمان و تبعه ایران ثبت
 کرده اند، مراسم ختم او نیز در مسجد مجید و هفته و چهارم در گذشتش را در سر
 «ظهیر الدوله، طبق آئین اسلام برگزار کردند.
 يك هفته بعد از خاتمه تشریفات مذهبی خانواده مازندی و اسحق فری دور
 جمع می شوند و موضوع ماترك و باقیمانده دارائی «رزی» را مطرح می کنند.
 این جلسه ابتدا خانم لیلی کاشانی نوشته و وصیتنامه او را عنوان کرده و عین
 نامه ای را که همراه داشته بدست «فری» داد. ولی او نوشته رزی را در حالیکه
 گریست پارم کرد و گفت: «بین من و برادران فراماسونم (یوسف مازندی و کاشانی)
 «مادر رزی کاغذ و نوشته لازم نیست و بزودی ترتیب تقسیم ارثیه و ماترك آن
 پس خودم را می دهیم»، چندی بعد اسحق فری و مادر مازندی مشترکاً و کالتنامه ای
 به صادق بهداد وکیل پایه يك دادگستری دادند، تا وی پرونده انحصار وراثت را در

محاكم دنبال کند. صادق بهداد به علت دوستی که با یوسف مازندی دارد، حاضر شد و کالت افتخاری مادراو را بپذیرد، و موضوع را تعقیب نماید. پس از این توافق، او از طرف بازماندگان «رزی» عرضحالی به شعبه اول دادگاه بخش تسلیم کرده و پرونده‌ای با شماره ۴۶-۲۹۸۹ تشکیل شد، ولی ناگهان اسحق فری یهودی‌الاصل که خود را مسیحی و همسرش را نیز پیرو همین دین معرفی می‌کرد، با انتخاب سید محمد باقر حجازی بوکالت خود، عرضحالی به همین دادگاه تسلیم کرد و باستناد قوانین مسیحیت از دادگاه خواست که مادر همسر و سایر افراد خانواده‌اش را از حق الارث محروم کند. اسحق فری در عرضحال ۱۲ خرداد ۱۳۴۷ - و هم چنین در پرونده ۴۷/۴۹۰ می‌نویسد: طبق ورقه نکاحیه ثبت شده در کنسولگری انگلیس بانوی مزبور عیال اینجانب تبعه انگلستان می‌باشد و طبق قوانین انگلستان کلیه دارائی آنسرحومه به اینجانب تعلق دارد.

دارائی شخصی «رزی» عبارت بود: از يك خانه چهار هزارمتری در نیاوران به ارزش يك میلیون و پانصد هزار تومان - موجودی او در بانك انگلیس (که قبل از خاتمه انحصار وراثت «فری» آنها را برداشت کرده بود.) موجودی دفترچه پس انداز بانك ایران و انگلیس شعبه تخت جمشید - حساب سیار شماره ۵۱۸۹۰ بانك بازرگانی مرکز و سایر دارائی تقدینهایش باضافه جواهرات و البسه...

مادر مازندی که بانوئی بدون درآمد و حقوق بازنشستگی است، و سالها قبل همه دارائی و عیالک خود را به دخترش «رزی» داده بود، وقتی با این رفتار و رویه استاد اعظم فراماسونی که خود را معلم اخلاق و رهبر بیش از پانصد فراماسون ایرانی و مدافع (آزادی، برابری و برادری) می‌دانست، روبرو شد، از وکیل افتخاریش تقاضا کرد تا عرضحالی علیه «فری» به محکمه بدهد. صادق بهداد در عرضحال تقدیمی به محکمه به دلایل زیر ادعای امتداد فراماسونها را نا صحیح و غلط می‌داند:

- ۱ - رزی مازندی تا هنگام فوت ایرانی بوده و شناسنامه ایرانی داشته است چنانچه سند فوت او بموجب شناسنامه شماره ۴۳۳۲ تنظیم و باطل شده است .
- ۲ - هیچیک از زنان مسلمان نمی توانند ، به عقد مرد غیر مسلمان در آیند ، مگر اینکه شوهر او قبل از ازدواج مسلمان شده باشد .
- ۳ - طبق ماده ۹۸۸ قانون مدنی هیچیک از اتباع ایرانی نمی توانند ، تبعیت خود را ترك کنند ، مگر با اجازه و تصویب هیئت وزیران .
- ۴ - رزی مازندی بموجب شناسنامه شماره ۴۳۳۲ که تا زمان فوت معتبر بوده و همچنین طبق اسنادی که در اوراق هویت او در پرونده استخدامیش در کنسرسیوم موجود است ، تابعیت ایرانی داشته و برای تکمیل اثبات ایرانی بودن او به حساب های او در بانکهای زیر استناد می شود :
 - ۱ - بانک ایران واتکلیس شعبه تخت جمشید که در سند شماره ۱۰۲۰۶۲ - ملیت او را ایرانی ذکر کرده اند .
 - ۲ - حساب شماره ۵۱۸۹۰ بانک بازرگانی مرکز .
 - ۳ - حساب بانک اعتبارات شعبه نادری ساختمان آلومینیم .
 - (که خود آن مرحومه در همه این موارد ملیت خود را ایرانی اعلام کرده است.)
 - ۵ - هیچ تبعه خارجی حق داشتن ملک غیر منقول در ایران ندارد . و حال آنکه طبق سند شماره ۱۰۳۰۱۹ - رزی مازندی صاحب ملک شخصی در نیاوران است .
- ۶ - هیچ تبعه خارجی نمی تواند در ایران اقامت نماید مگر اینکه اداره گذرنامه شهر بانی به او ورقه اقامت بدهد ، و هویت و محل اقامت و سایر مشخصات او در پرونده ها و اسناد اداره اتباع خارجی مقیم ایران ثبت شده باشد .
- ۷ - هیچ تبعه خارجی حق اشتغال بکار در ایران را ندارد ، مگر با اجازه وزارت کار . حال آنکه رزی مازندی از بدو استخدام در شرکت نفت همواره خود را تبعه ایران دانسته و احتیاج و لزومی بداشتن ورقه کار نداشته است .

۸ - بموجب قبالة ازدواج موجود در پرونده دادگاه بخش زوجین مسلمان هستند و ثبت ازدواج آنان که اسحق فری مدعی است در کنسولگری انگلیس ثبت شده، صحیح نبوده و کنسولگری مذکور حق ثبت این ازدواج را نداشته است. بعد از تقدیم این عرضحال به دادگاه ساعت ۸ صبح روز هفتم آبانماه ۱۳۴۷ را برای رسیدگی به عرضحال اسحق و دلایل و مدارك اشاره شده وکیل مدافع تعیین کرد... البته اسحق منتظر اعلام رأی دادگاه نشد و در حدود دو ماه قبل از تشکیل جلسه دادگاه با سومین همسر خود - عیال سابق مرحوم حاجی استاد لثرفراماسونی تهران - ازدواج کرد. این زن وارث چندین میلیون تومان ثروت از شوهر درگذشته خویش است.

امید است با مطالعه این شرح اجمالی بخصوصیات اخلاقی، زندگی اجتماعی و بطور کلی رفتار و کردار مردمی که مدعی پیامبری اخلاق و تمدن و عالیترین خصوصیات انسانی هستند واقف شده باشید. منظور از انعکاس این مطالب فقط و فقط هشدار به آن گروه از ایرانیان پاك نهادی است که بدون آگاهی دقیق و کامل از منظوره‌های سیاسی و هدفهای استعماری بیگانگان، تنها به این دلخوشی که در راه اصلاح اصول اخلاقی و انسانی بشر گام برمی‌دارند، ناچار به دست بوسی و تبعیت از افرادی می‌شوند که خود فرسنگها از اخلاق و انسانیت بدورند. هشدار به کسانی است که با اطاعت کورکورانه‌ی خود از سازمانهای ساخته و پرداخته بیگانه، ننگ و نفرین ابدی را برای خود و خانواده و اعقاب خویش می‌خرند... غافل از اینکه تاریخ قاضی عادل است که هرگز مرتکب گناه نمی‌شود. و ننگ و نفرین دست بوسی بیگانگان - آنها هم با خصوصیات اخلاقی و اجتماعی اشاره شده - برای همیشه در صفحات تاریخ بر پیشانی این افراد و فرزندان آنها باقی خواهد ماند.

۱ - متأسفانه چون تاریخ تشکیل جلسات دادگاه معادف با روزهایی بوده که صفحات این کتاب زیر چاپ می‌رفت، موفق به انعکاس رأی نهائی دادگاه نشدیم.

لژ روشنائی در ایران برای اینکه برتری و سروری خود را بر روی همه فراماسونهای ایرانی و کنترل خود را بر اعمال آنان حفظ کند، و از کارها و اطلاعات آنها حداکثر بهره - برداری را بنماید مسئلهی «نظارت کامل» را عنوان کرده و این بر لژهای ایران تحمیل نموده است.

این اقدام که به نفع سازمانهای اطلاعاتی، اقتصادی و سیاسی انگلیس در آن است بدون درنگ با موافقت مرکز لژ اسکاتلند در ادنبورگ رو برو شد. بنا به کارگردانان لژ دستور دادند تا «سروری» و «برتری» و قبول «عبودیت» گراند لژ اسکاتلند را در هر زمینه بر لژهای انگلیسی، فرانسوی و آلمانی بنیادالتاسیس بقبولانند. عدهای از فراماسونهای جوان که قبل از ورود به لژهای معمولی هدف این تشکیلات مخفی را فقط و فقط استعانت و کمک و همراهی به هیچ بشری دانستند، با قبول برتری و سروری و عبودیت لژهای انگلیس مخالفت کردند، ولی چون قوانین فراماسونی اطاعت محض و کورکورانه از دستورات لژ را ایجاب می کند، به ناچار همه فراماسونهای سه دسته مذکور حاضر به «برفتن» عبودیت و «سروری» و «برتری» گراند لژ اسکاتلند شدند و بدین - ترتیب است که بعد از مدت کوتاهی «کریستوفر اسحق فری» یهودی تبعه انگلیس همه جا خود را حاکم مطلق و آمر حقیقی فراماسونهای ایرانی می داند، در این کلبه سازمانهای ماسونی قرار می گیرد. منتهی چون در این ایام زمزمه های مخالفت در لژها علیه این انتصاب برخاست و بیشتر اعضای لژهای آلمانی با اطاعت کورکورانه و قبول عبودیت انگلیس ها مبارزه ای شدید را آغاز کردند، موضوع کتاب سناتور دکتر سعید مالک در رأس گراند لژ محلی ایران عنوان شد.

این سازمان فراماسونری که District Grand Lodge of Iran نامیده می شود، وظیفه اش ایجاد هماهنگی بر مجموع فعالیتها، کسب اطلاعات واصله، حتی نظارت بر مشاغل است که در ایران به افراد واگذار می شود. گر چه سازمانهای

انگلیسی با انتصاب سناتور دکتر سعید مالک در رأس این سازمان موافقت کردند، ولی يك معاون دائمی بنام «کلنل استراکر» در لندن برای او تعیین شد که وظائفش را در ایران به «گریستوفر-فری» واگذار کرد. انتخاب سناتور دکتر سعید مالک که مورد اعتماد دستگاه حاکمه ایران است، و به علت عدم آلودگی به فساد و رشوه - خواری مورد احترام عده زیادی از فراماسنهاست، تا اندازه‌ای به مخالفت‌ها و مبارزات مورد بحث پایان داد. ولی کارگردانان انگلیسی لژها از این حسن انتخاب سوء استفاده کرده و سازمان‌گراند لژ محلی ایران را به صورت پوششی بر روی اعمال خود در آوردند. این بهره‌برداری نادرست، همراه با تحریکات و گفتگوهای که از درون لژهای انگلیسی شنیده می‌شد و مخالفت‌هایی که انگلیسی‌های عضو لژ علیه کارهای عمومی مملکتی آغاز کرده بودند بار دیگر حوادثی در لژها بوجود آورد که جدا شدن لژهای آلمانی (مهر - وفا - آفتاب - ستاره - بحر) از گراند لژ محلی ایران را بایستی نتیجه آن و اولین نشانه طغیان دسته جمعی علیه «عبودیت لژهای انگلیسی» دانست.

این مبارزات تا سالهای اخیر نیز ادامه داشت. یکی از استادان فراماسونری انگلیس که نامه سپتامبر سال جاری دبیر کل و استاد اعظم لژ اسکاتلند را خطاب به «گریستوفر-فری» خوانده بود، می‌گفت: در این نامه از اینکه دکتر احمد هومن با او به مبارزه برخاسته و مانع انتخاب او در گراند لژ ملی ایران شده است، ابراز تأسف شده و باو تأکید کرده بودند که دکتر هومن همیشه خودخواهی داشته است. منتهی شما سعی کنید بهر نحوی هست در این سازمان انتخاب شوید و نگذارید ایرانیها شما را کنار بگذارند.

همانطور که گفته شد، طغیان علنی علیه سیاست انگلستان

طغیان علیه سیاست انگلستان در سالهای اخیر افزایش یافت تا جائیکه در بین بعضی از جوانان که در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی عضو لژهای فراماسونری شده‌اند حالت عیبیان و طغیان علیه سیاست

جابرانه انگلستان در ایران دیده می شود. این جوانها با آنکه می دانند سیاست : اطاعت محض از فرامین و اوامر استادان اعظم لژ، و بدکردن نهادن طوق عبودیت استاد اعظم گراند لژ اسکاتلند و انگلند و همچنین پیروی کورکورانه و تبعیدی از گراند لژهای انگلستان و پذیرفتن رهبری و برتری سازمانهای انگلیسی نخستین دستور در سازمانهای فراماسونری است؛ معذالک گاهی دیده شده که یکی دو جوان ایرانی حسن ناسیونالیستی و وطنپرستی را بر قبول دستورات و اوامر استادان و بر ناسیونالیستها ترجیح داده ، علیه سیاست جابرانه انگلستان سخن گفته و یا مقاله و کتاب نوشته اند .

شاهد زنده این گونه جوانها « حسین رامتین » نویسنده کتاب « امریکائیان در ایران » است . وی که به اتفاق برادرش در لژهای تهران و کورش وابسته به لژ شنائی در ایران و در سالهای اخیر در گراند لژ انگلستان عضویت و رهبری دارند ، با اینحال او در کتاب مذکور درباره سیاست ظالمانه و سبعمانه انگلستان در ایران که مجریان آنها اکثراً « برادران فراماسون » و یا « لژهای ماسونی » هستند چنین می نویسد :

« ... تاریخ دوست ساله اخیر روابط بین المللی بهترین شاهد ، مشکلات و احتمیهای است که از شمال و جنوب ایران، یا صریحتر بگوئیم از جانب حامداریان روس و انگلیس برای ما فراهم شده است .

« هر ایرانی که قدری در اوضاع فعلی و گذشته سرزمین خود عمیق شود و با تاریخ سالهای اخیر را تحت مطالعه دقیق قرار دهد ناچار است با کمال صراحت شراف کند که هر چه بر سر این ملت آمده است نتیجه سیاستهای استعماری همسایگان شمالی و جنوبی ما بوده است و بس .

هدفها و مقاصد استعماری انگلستان در سراسر آسیای میانه ، جنوبی و مرکزی بطوری چشمان مأمورین و متصدیان امور کشورهای این مناطق را کور کرده بود که جز سیادت و نفوذ انگلستان بهیچ چیز دیگر نمی اندیشیدند و سرزمین خود را ملک طلق و منطقه نفوذ این سیاست استعماری می دانستند . دیگر برای

آنها هیچ فرقی نداشت که با چه وسیله و بدست چگونه اشخاصی این نفوذ و قدرت سیاسی اعمال می شود .

و آنها فقط هدف خود را می دیدند و کوچکترین تفکر درباره نحوه اعمال نفوذ و ترحمی نسبت به مردم نداشتند ، گاهی راهزنی را از پشت کوهی می آوردند و بر جان و مال مردم مسلط می ساختند و زمانی آخوند بیسواد روضه خوانی را از دهستانی دور افتاده ... هنگامی نیز یکی از اشراف جتایتکار و دزد را پروبال می دادند که با هر وسیله و عنوانی که میسر است بقدرت برسد و بر مردم بی پناه این کشور حکومت کند . طبعاً اینگونه افراد پس از استقرار بر سریر حکومت آنچه در قدرت داشتند ، از بی شرافتی و دزدی و غارت اموال مردم و هر خیانت دیگری ... کوتاهی نمی کردند فقط وظیفه آنها این بود که دستورها و اوامر نمایندگی عالی یا سفیر اعظم بریتانیا را اطاعت کنند ... !!»

این نویسنده فراماسون در حالیکه خود از نفوذ برادران ماسونش در سازمانهای دولتی : مقننه ، مجریه و قضائیه مملکت در دوران مشروطیت آگاه است ، با صراحت فراوان و بدون ذره ای ترحم ، آنها و سایر نوکران و دست پروردگان سیاست استعماری را کوبیده و تنها آرزوی خود را محو و نابودی این لانه های جاسوسی و تار عنکبوتی که بدست و پای مردم ایران بسته شده عنوان کرده است .
« حسین رامتین » روش قاطع و راه نهائی برای محو سیاست استعماری انگلستان را نابودی فراماسنها ، جاسوسان انگلستان و عمال مارکدار آنان ، و حتی اطفال شیرخوار این گروه دانسته ، و چنین می نویسد :

«... مردم ایران بهیچ وجه من الوجوه باور ندارند که پسران و اعقاب و اخلاف آن خانواده ها با کتاب خواندن و نطق کردن و انقلابی شدن رنگ واقعی خود را از دست داده باشند .

مردم ایران تا وقتی به چشم خود نبینند که ریشه این دسته فاسد الاصل از بیخ و بن کنده شده و دیگر اثری از اطفال شیرخواره آنها هم یافت نمی شود ، نمی توانند قبول کنند که تخم فساد که بوسیله سیاست استعماری سیاه انگلستان و روسیه از دو قرن پیش در این کشور کاشته شده ، بکلی نیست و نابود گردیده است . »



کارگردانان لژهای انگلیسی، برای اینکه بدون مزاحمت و اشکال تراشی و مخالفت لژهای فرانسوی به کار خود ادامه دهند، ایجاد «لژ اعظم ناحیه ایران» را به مرکز گرانند لژ در برک پیشنهاد کردند. استاد اعظم گرانند لژ اسکاتلند، بدون درنگ با تشکیل «اعظم» موافقت کرد و ضمن پذیرفتن این پیشنهاد به رؤسای لژهای انگلیسی اطلاع کرد که در توسعه سازمانهای فراماسونی در ایران و ایجاد لژهای تابعه مانند اقدامات وسیع و دامنه‌داری را آغاز کنند.

برای تأسیس و باصطلاح خود فراماسونها «تنصیب» لژ اعظم ناحیه ایران به پروس وزیر درباری انگلیس و استاد اعظم سال ۱۹۶۶ - م (۱۳۴۵ - ش) به زبان آمد، و باشکوه و عظمت خاص فراماسنها، این سازمان فراماسونری را با ایران بوجود آورد.

سازمان مذکور بموجب مندرجات سالنامه سال ۱۹۶۸ گرانند لژ اسکاتلند^۱

است اشخاص زیر سپرده شد:

ناظر اعظم لژ اعظم ناحیه ایران	گریستوفر اسحق فری
قائم مقام ناظر اعظم مقیم انگلستان	کنت، او. بیرس ^۲

۱- رجوع شود به صفحه ۳۳ سالنامه .

۲- در صفحه ۳۳ سالنامه مذکور این شخص Kenneth. O. Byers مقیم لانشار

انگلیس معرفی شده است .

نفع دیگران بطور عموم باشم و با دیگر برادرانم در راه مبارزه با ظلم و استبداد و دیکتاتوری مخرب و توانفرسا همدست باشم و در هیچ حالی بداندیش یا مستبد یا ستمکار نباشم و در کلیه کارهایم بشردوست باشم و به هم‌میهنانم کمک‌کنم تا پیشرفت کنند و سعادتمند شوند و از ظلم و جور نجات یابند و نسبت به حیثیت کشورم و میهنم صدمه‌ای نرسانم و با برادرانم اعضای لژ در هر کوششی که بنفع فراماسنی است، همکاری نمایم تا اینکه هر برادر فراماسن يك هم‌میهن بین‌المللی شود که هم دارای حرمت ملی و احترام شخصی است و هم دارای مقام عالی در جامعه جهانی باشد و اندیشه خود را بسوی ایده‌آلهائی که ضامن پیشرفت آزادی و مساوات و برادری هستند اوج دهم و به طبقه جوان تحصیلکرده میدان بدهم تا فراماسوئری از او يك نسل جدید^۱ که دارای اندیشه‌هائی بلند است بوجود آورد و به آزادی افراد بر اساس قاعده معیاس مساوات در نمایندگی دوستانه بین هیئت‌های آنست^۲ و به برادری بین افراد بشر بر اساس قاعده «برادری و همکاری در اتحاد بین دولتها و ملتها بدون در نظر گرفتن اختلاف نژاد است» کمک نمایم و با برادرانم بکوشم تا علماء و رهبران فکری و روزنامه‌نگاران و ادباء را بطرف خود جلب کنیم و برادرانی را که از فعالیت لژ باز نسته‌اند بتکان آوریم تا به مقصود خودمان که عملی کردن هدفهای فراماسنی است برسیم و وقتی نتیجه مطلوب بدست خواهد آمد که در پستهای مهم مردانی دارای علم و اخلاق و اراده خلل‌ناپذیر و دل‌بیدار و شایستگی فوق‌العاده پشتیبان ما باشند تا در نتیجه هدفهای تحقق‌پذیرد، و به پیروزی حقیقی مورد نظر برسیم و در آن هنگام خواهیم دید که دیگر رهبران و متفکرین نه به‌اسم و بجهت و مقام محدود بلکه بعمل و خیر مطلق رهبر و متفکر خواهند بود و مشعل مثلث آزادی، برادری و مساوات را در دست خواهند داشت

۱- در از همایون و لژ مولوی نکته‌ای که خورد توجه دقیق مؤسسين و کارگردانان بوده و هست عضویت عناصر جدید بخصوص جوانان است. این نکته موجب تا رضایتی دستجات دیگر فراماسوئری بخصوص اعضاء قدیمی را فراهم آورده است.

شماره	خرداد	اردی بهشت	فروردین	اسفند	بهمن	دی	آذر	آبان	مهر	شهریور	
۱۳۴۲ 1964	۱۳۴۳ 1964	۱۳۴۳ 1964	۱۳۴۳ 1964	۱۳۴۲ 1964	۱۳۴۲ 1964	۱۳۴۲ 1964	۱۳۴۲ 1963	۱۳۴۲ 1963	۱۳۴۲ 1963	۱۳۴۲ 1963	
								۱۱ 2 Nov.			لوزیزگ ناحیه ایسران
	۱ 27 Mai.	۲ 22 Avril			۲ 22 Jan.		۱ 27 Nov.		۳ 25 Sep.		شاپتوریلوی
	۱۷ 7 Juin		۱۷ 5 Avril		۱۲ 1 Fev.		۱۰ 1 Dec.		۱۱ 6 Oct.		لوزی ۶۷
	۱۲ 2 Juin	۱۰ 5 Mai	۱۸ 7 Avril	۱۲ 3 Mars	۱۰ 4 Fev.	۱۷ 7 Jan.	۱۲ 3 Dec.	۱۱ 5 Nov.	۱ 1 Oct.	۱۲ 3 Sep.	حاصلک ۶۸
	۱۲ 2 Juin	۱۰ 5 Mai	۱۸ 7 Avril	۱۲ 3 Mars	۱۰ 4 Fev.	۱۷ 7 Jan.	۱۲ 3 Dec.	۱۱ 5 Nov.	۱ 1 Oct.	۱۲ 2 Sep.	نفس تهریزی ۷۲
		۱۲ 12 Mai	۱۰ 14 Avril	۲۰ 10 Mars	۲۲ 11 Fev.	۲۱ 14 Jan.	۱۹ 10 Dec.	۲۱ 12 Nov.	۱۶ 8 Oct.	۱۹ 10 Spt.	مصلی ۶۶
		۲۹ 19 Mai	۱ اردی بهشت 21 Avril		۲۹ 18 Fev.	۲۸ ایمن 21 Jan.	۲۶ 17 Dec.	۲۸ 19 Nov.	۲۳ 15 Oct.	۲۱ 17 Sep.	بولوی ۴۹
		۲۱ 16 Mai	۲۱ 18 Avril	۲۱ 14 Mars	۲۱ 15 Fev.	۲۸ 18 Jan.	۳۰ 21 Dec.	۲۰ 16 Nov.	۲۷ 19 Oct.		ابن سینا ۷۶
		۱۲ 2 Mai		۱۷ 7 Mars		۱۱ 4 Jan.		۱۱ 2 Nov.		۱۶ 7 Sep.	سزدا ۷۹
۱ 30 Juin	۰ 26 Mai	۸ 28 Avril	۱۱ 31 Mars	۶ 25 Fev.	۸ 26 Jan.	۱۰ 31 Dec.	۰ 26 Nov.	۷ 29 Oct.			لایت ابن ابراهیم ۱۱۹۱
	۱۱ 1 Juin	۱۱ 4 Mai	۱۷ 6 Avril	۱۲ 2 Mars	۱۱ 3 Fev.	۱۱ 6 Jan.	۱۱ 2 Dec.	۱۲ 4 Nov.	۱۰ 7 Sep.		عیلام ۱۰۸۰
	۲۳ 13 Juin	۱۹ 7 Mai	۲۲ 11 Avril	۲۱ 14 Mars	۱۹ 8 Fev.	۲۱ 11 Jan.	۲۳ 14 Dec.	۱۸ 9 Nov.	۲۰ 12 Oct.	۲۲ 14 Sep.	تهران ۱۰۱۱
	۱۷ 27 Juin	۲۰ 20 Mai	۲۱ 15 Avril	۲۸ 18 Mars	۲۰ 19 Fev.	۲۰ 15 Jan.	۲۷ 18 Dec.	۲۷ 20 Nov.	۲۱ 16 Oct.	۲۷ 18 Sep.	سورتن ۱۰۷۱
		۱۷ 12 Mai			۲۲ 11 Fev.		۱۹ 10 Dec.		۱۶ 8 Oct.		شاپتوریلوی

مهندس حسین شقاقی

فیروز دورابی

صالح چتایات یهودی

فتح الله فرود

ژرژ اوانسف

مهندس علی اصغر بختیار

شمشیردار لژ اعظم ناحیه ایران

این سازمان که بر دوازده لژ فراماسونری انگلیس نظارت کامل دارد،

فقط چهار روز، آنهم در ماههای (خرداد - شهریور - آذر - اسفند) که

با ماههای مسیحی (ژوئن - سپتامبر - دسامبر - فوریه) است، تشکیل می شود.

روزهایی که این سازمان ماسونی انگلیسی در ایران در انجمن رازی تشکیل

می دهد، درباره خط مشی و طرز کار و فعالیت لژهای ایران، تراژنامه سالانه،

لژهای جدید و بالاخره بهره برداری از اطلاعات و فعالیت های سیاسی و

سادی اعضای لژ در سراسر ایران مذاکره می شود. در روزهای تشکیل جلسات

به آن نام «جلسات ارتباطیه» داده اند هر يك از لژها نماینده ای برای شرکت

جلسات اعزام می دارد و به دستورات و کارها رسیدگی می کنند.

چون در تشکیل لژ ناحیه اعظم ایران نامی از «صالح چتایات»

برده شد، بی مناسبت نیست که ایشان را از قول یکی از

یهودیان مهاجر لژ روشنائی یهودیانی گذ سالها با او کار می کرده است معرفی کنیم^۱:

صالح چتایات یهودی عراقی که سالها پیش به ایران

هجرت کرده از سال ۱۹۴۵ تاکنون چندین بار مقام های عالی از جمله ریاست کرسی

روشنائی در ایران را داشته است و هم اکنون نیز از فعالین سازمان ماسونی انگلیس

ایران است. در رساله ای که اسحق یعقوبیان دانشجوی علوم اجتماعی (ساکن

۱ - رساله ای که این قسمت از آنرا نقل کرده ایم در کتابخانه انجمن کتاب به شماره

۵۵۲ ثبت شده است.

تهران، خیابان سیروس، کوچه سادات اخوی، شماره ۱۰۶) نوشته در باره صالح چنایات و سایر مهاجران عرب فراماسون چنین نوشته است :

«... سازمان جاسوسی انگلستان در ایران (ام-آی-۵ - M. I. 5) که هموطنان ما به غلط و با به اصطلاح معمولی آن را «اینتلینجنت سرویس» می نامند، ریشه قدیمی و کهن دارد. یکصد و هشتاد سال است که این سازمان لعنتی در ایران کشتار می کند، رژیم عوض می کند، خانواده ها برباد می دهد، اقتصاد و سیاست ما در دست عمال کثیف «اینتلینجنت سرویس» است بچه های شیرخواره ایرانی در گهواره بدست جاسوسان اینتلینجنت سرویس خفه می شوند. پیر مردان و وطنپرستان ایرانی را بخاک سیاه می نشانند و آنانرا بعنوان «سکته» و مرگ ناگهانی بدیار عدم می فرستند. عمال این سازمان قدیمی در ایران بیشتر مهاجران و عده کمی هم اقلیت های مذهبی هستند. بیشتر عمال «اینتلینجنت سرویس» در سی ساله اخیر که شناخته شده اند، جهودهای عرب هستند که از کشورهای سوریه - لبنان - عراق و مصر با ایران آمده اند.

اینها روزی که با ایران آمدند بظاهر صراف - ماشین دار - نماینده کمپانیهای خارجی بودند و با سرمایه هایی که می آوردند بهترین کارهای تجارتمی را در دست می گرفتند.

همین ها پس از مدتی که در ایران متوقف می شوند با پرداخت پول و رشوه ورقه تابعیت ایران را بدست می آورند - و بنام يك ایرانی مشغول کار می شوند...» اسحق یعقوبیان آنگاه نحوه کار این سازمانها و افراد آنها چنین تشریح می کند :

«... اینتلینجنت سرویس برای اینکه پرده بر چهره کثیف عمالش بکشد، برای آنها شرکت های سهامی تشکیل می دهد، و مقداری از سرمایه این نوع شرکتها که بصورت سهام درمی آید با نام و مقداری بدون نام است. سهام بانام، نام مدیران و اعضای شرکت است و سهام بی نام در گاو صندوق اینتلینجنت سرویس در

ایران باقی می ماند .

الکلیسها هر وقت بخواهند به عمال تازه خود کمک کنند ، بآنها سهام بون نام می دهند . اگر ارزش کار عمال و جاسوسان آنها کم و کوچک باشد بیکي هر کتهای سهامی دستور می دهند که از فروش و یا مزاد در آمد ، مبلغی بچیب جوسان مورد نظر بریزند .

چهار شرکتی که سهام آن در دست اینتلیجنت سرویس است و نیمی از آنها مستقیماً بچیب عمال این سازمان می رود و از پنجاه سال قبل ویا اندکی در ایران تشکیل شده [اند] عبارتست از :

۱ - شرکت الکلیسی لینچ واقع در خیابان ثبت .

۲ - شرکت سهامی سیار خیابان سعدی .

۳ - شرکت کتانه خیابان برق .

۴ - شرکت شبدریز خیابان سعدی .

شاید کمتر کسی باشد که کلنل «استراکر» رئیس شرکت لینچ در ایران را سال در تهران بود و در سال ۱۳۴۰ از ایران رفت نشناسد .

این کلنل کاسب کار انگلیسی که در عین حال رئیس لژ فراماسونری در عراق - کویت و بحرین نیز بود ، سالها در ایران بشغل شریف (تجارت) ببود .

او بر برادران فراماسونش در لژهای اسکاتلند که در شرکت شبدریز هستند اتشمنشو و برادرانش و همچنین دامادش ادوارد) همیشه ریاست (برادرانه) داشت .

کلنل استراکر هیچگاه برادران فراماسون ارجمند خویش را در شرکت سیار آموزش نمی کرد - الیاس دبی - صالح چقاییات - جمشید ... - شائول ناتان

آن فراماسون او که همگی عضو اینتلیجنت سرویس نیز هستند ، همیشه مورد نهایت مخصوص کلنل استراکر بودند . اینان در شرکت سیار و سایر تشکیلات

یهودیت افسر سازمان جاسوسی انگلستان را بگردن می نهند و هر چه معمار



آیاس دابی یهودی عرب سهامدار
عمده شرکت سپار

اعظم «فرمایشی» با آنها بگویند و بیا هر دستوری که برای خرابکاری بدهد آنها اطاعت می نمایند...

کلنل استراکر که یوسف مازندی خبرنگار خیر گزار یونایتد پیرس هنگام عزیمت از ایران ضیافت مجللی در الهیه با قتمخار اوداد وقتلی استراکر و داماد انگلیسی مازندی (کریستوفر - اسحق) را بمذعوبین معرفی می کرد، خیلی از عوامل جاسوسی اش را بگریه انداخت ... نویسنده رساله بدنبال این بحث چنین ادامه می دهد :

شرکت سپار در حین اشغال ایران بوسیله قوای انگلیس و روس در تهران



چنانچه یهودی عرب سهامدار
شرکت بشدند، در کنار پرچم
ایرانی و نمایی از روشنائی

آن گزیدند. مؤسس این شرکت يك عرب جهود عراقی بنام «شائول ناتان» است
که اکنون روزها فقط بشغل تجارت و داد و ستد و معامله جلال و شب بشغل
خبر و ارسال خبر و اداره شبکه ... مشغول است .

روزی که ناتان از عراق بایران آمد تا «شرکت سیار» را تشکیل دهد. سازمان
«اینتلیجنت سرویس» یکی از یادوهای باهوش و زرنگ خود را بنام «جمشید»
موظف و تحمیل کرد. . . این دو نفر شریک دیگری بنام «ناوی» داشتند . این

ناوی که دخترش را بعقد صالح چتایات در آورده بزودی جای خود را به «چتایات» داد. چتایات عرب که يك انگشت او هنگام جنگ «کویت‌العمار» و در حین عملیات علیه عثمانیها و بنفع انگلیسها قطع شده است، از ۱۷ سال قبل تا کنون ظاهراً فقط بشغل تجارَت مشغول است و ابداً کاری با سازمان جاسوسی انگلیس در ایران ندارد. و اورئیس شبکه‌ای در این سازمان مخوف نیست !! صالح چتایات شریک و همدم جمشید... که اطاق مجللی در شرکت سیاردارد، در عین حال رئیس لژ فراماسونری «لایت در ایران» وابسته به اسکاتلند بوده و فقط برای تفریح و تفتن «کلوپ تهران» را که مخصوص انگلیسها و تعدادی از ایرانیان علاقمند سیاست انگلستان است نیز اداره می‌کند. چتایات نه تنها با کمک کشفی در سازمان‌های مختلف... فعالیت می‌کند، بلکه شرکت سیار را نیز که محل دیگری برای ایجاد ارتباط با عوامل فراماسونی و انگلیس‌ها و... است، اداره می‌کند. تهران کلوپ را که با اصطلاح جاسوسان (مندوق پست) سازمان جاسوسی انگلستان است صالح چتایات و دیگر اعراب یهودی اداره می‌کنند. اکنون سالهاست که جمشید... با همکاری ناتان و صالح چتایات و شعشو مشغول خرابکاری و ایجاد ارتباط با عوامل انگلیسی است...»

این بود قسمتی از آنچه را که اسحق یعقوبیان در باره چندین تن از فراماسونها نوشته و صحت و نسقم آن بعهدہ نویسنده رساله است و بس. به علت عدم دسترسی به اسناد و مدارک و اتهاماتی که نویسنده این رساله به یهودیان مهاجر عرب و اعضاء لژ فراماسونری وارد آورده، نمی‌توان همه مندرجات رساله را که در باره فعالیت ایندسته از فراماسونهاست، نقل کرد. امید است روزی مندرجات این رساله مورد توجه محققین و کسانی که علاقمند به شناخت بیشتر آنها هستند، قرار گیرد.

سازمان فراماسونری اسکاتلند که مرکز آن در شهر «ادنبورگ» است، همه ماهه بولتن اخبار مخصوصی دارد که برای استادان اعظم فراماسونری وابسته به این لژ در سراسر جهان می‌فرستد. این بولتن نیز مثل همه اسناد و مدارک ماسونی ماهانه است و غیر ماسون‌ها (بیگانگان) حق ندارند بدانها دسترسی پیدا کنند. به‌خاتمه بوسیله یکی از محققین، شماره‌های اخیر این بولتن بدست ما رسید که برای نشان دادن این اخبار و اطلاعات بسیار بسیار محرمانه‌ای که فراماسون‌ها آنرا از جمله اسرار ماسونیک می‌دانند، ترجمه بولتن شماره پنجم ماه سپتامبر ۱۹۶۸ را نقل می‌کنیم:

نخست امیدواریم که کلیه برادران توانسته باشند، در تعطیلات تابستانی استراحت کافی کرده و از ایام گذشته استفاده نمر- بخشی برده باشند. امید است که برادران برای شروع فعالیت در سال ماسونی جدید که دارای اهمیت فوق‌العاده بخود را آماده کنند. زیرا در این سال جلسه همگانی سه‌ساله (یعنی جلساتی که هر سال یکبار تشکیل می‌شود) کلیه مجامع و سازمان‌های فراماسونی در ماه [آذر ماه - دی] تشکیل خواهد شد.

مقررات عمومی ماسونیک صراحت دارد که کلیه پیشنهادات (جلسه همگانی) بایستی حداقل شش هفته قبل از تشکیل مجمع، برای دبیر کل جلسه شود، تا وی آنها را تسلیم کمیسیون عالی نماید. کمیسیون عالی پس از پیشنهادات نظر خود را در باره طرح و یا رد پیشنهادات مطرح و اعلام می‌کند. برای اینکه لژهای مختلف بتوانند به نمایندگان خود که در جلسه همگانی می‌کنند، دستورات لازم را بدهند، دبیر کل کلیه اطلاعات ضروری را در مورد تدوین تشکیلات در ماه اکتبر برای این مجمع خواهد فرستاد. امسال احتمالاً یک ساعت چهار بعد از ظهر جمعه ششم سپتامبر و صبح شنبه هفتم سپتامبر

MASONIC INFORMATION BULLETIN

September 1968

1968 - N° 5

Let us first express the hope that all Brn. have been able to enjoy a summer vacation, both restful and beneficial, so as to be ready to face a new Masonic year of more than usual importance, since the Triennial General Meeting of Grand Lodge will take place in the course of December.

In accordance with the terms of Art. 8 of our General Regulations, the Grand Master and Grand Treasurer will be elected at this Assembly for the ensuing three-year period.

The General Regulations lay down, moreover, that "all propositions must be addressed in writing to the Grand Secretary at least six weeks before the date of the Assembly, for submission to the Sovereign Grand Committee who will decide whether or not they shall be put on the agenda."

In order to allow Lodges to give complete instructions to their Delegates for the work done in Commissions, the Grand Secretary will send all relevant information to the Lodges, during the month of October, regarding the present state of the Obedience.

This year, it is likely that the Commissions will meet on Friday afternoon, December 6th., at approx. 4.00 p.m. as well as on Saturday morning December 7th.

Bienfaisance Maçonnique

A General Meeting of the Bienfaisance Maçonnique is foreseen for Saturday, December 7th during the forenoon. It would no doubt be helpful if Lodges prior to this Assembly, would look into ways and means of endowing the Bienfaisance Maçonnique with regular sources of income.

بولتن ماہانہ المراسلہ نژ اسکاٹلنڈ

(از مستر رابرت الدریج استاد دانشگاه مشکریم کہ فتو کی بولتن فوق را برای نویسنده فرستاد.)